

بررسی حقوقی اقدامات متقابل در زمینه پخش برنامه‌های غیرمجاز ماهواره‌ای

الهام امین‌زاده*

استادیار گروه حقوق، دانشگاه تهران

حمید حیدری

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران

چکیده: اقدامات متقابل از ابتدای تدوین حقوق بین‌الملل تحت عناوین مختلف وجود داشته و کشورها به عنوان یکی از موثرترین راههای واداشتن کشورهای دیگر به رعایت تعهداتشان از آنها استفاده می‌کرده‌اند. از موضوعاتی که در قرن حاضر بعنوان عصر فن-آوری ارتباطات و فضا پیوسته در رابطه با اقدامات متقابل از سوی دولتها مطرح بوده، پخش مستقیم برنامه‌های رادیو-تلویزیونی از طریق امواج ماهواره‌ای می‌باشد. پژوهش حاضر به بررسی حقوقی اقدامات متقابل و محدودیت‌های حاکم بر آن و اینکه تحت چه شرایطی اقدامات مذکور مطابق حقوق بین‌الملل قابل اجرا می‌باشند، پرداخته و در ادامه بررسی حقوقی این اقدامات در زمینه پخش برنامه‌های ماهواره‌ای، اصول حاکم بر آن و همچنین مشروعیت یا عدم مشروعیت اقدام متقابل کشورها بعنوان دولت متأثر از پخش برنامه‌های غیرمجاز ماهواره‌ای را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: اقدام متقابل، جبران خسارت، فن‌آوری ارتباطات، پخش مستقیم، امواج ماهواره‌ای

مقدمه

اقدامات متقابل از جمله اقدامات یکجانبه‌ای است که از سوی دولتها بمنظور واکنش به اقدامات غیردوستانه یا خصمانه دولت دیگر اتخاذ می‌شوند. با پیشرفتهای فن‌آوری و الکترونیکی در عرصه‌های مختلف، امکان و قابلیت اقدامات قهری و غیرقهری دولتها علیه دولتهای دیگر، شناخت راهکارهای حقوقی ضروری می‌نماید. در مورد تهدید علیه فرهنگ و باورهای ملی و همچنین تهدیدهای نرمی که از طریق پخش برنامه‌های ماهواره‌ای صورت می‌گیرد، خود گواه بر اهمیت فزاینده اینگونه اقدامات برای کشورهای متأثر از پخش مستقیم می‌باشد.

پرسش‌هایی که نگارندگان سعی خواهند کرد در این نوشتار به آن پاسخ دهند آن است که؛ در صورت نقض تعهد توسط یک دولت، چه اقداماتی توسط دولت زیان‌دیده می‌تواند به عنوان اقدام متقابل صورت پذیرد؟ اینکه توسل به اقدامات متقابل با ملاحظه شرایط و رعایت محدودیت‌های حاکم بر آن در زمینه پخش مستقیم ماهواره‌ای مقبولیت دارد؟

فرضیه‌های پژوهش بنا بر ملاحظات ذیل استوار است:

نخست، در چارچوب کلی، در حقوق بین‌الملل هر نقضی یا عمل خطا، مسئولیت دولت ناقض را در پی دارد.

ثانیاً، در صورت نقض تعهد بین‌المللی قبل از اینکه شرایط اقدام متقابل و دفاع مشروع فراهم آید، دولت زیان‌دیده لازم است به طرق دیپلماتیک و یا از شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات و یا حقوقی اقدام نماید. در صورت عدم توقف عمل غیرقانونی، تکرار آن و عدم جبران خسارت و النهایه عدم همکاری دولت خاطی با حسن نیت در قبال درخواست دولت زیان‌دیده، خواه ناخواه به دلیل عدم ضمانت اجرای قوی در حقوق بین‌الملل همانند آئین‌های داخلی، دولت زیان‌دیده می‌تواند دست به اقدام متقابل بزند. البته همچنان که در بدنه اصلی نوشتار به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد، این شیوه خود نیز شرایطی دارد.

ثالثاً، در زمینه پخش مستقیم ماهواره‌ای، بدلیل مقبولیت نفس پخش مستقیم منصرف از ورود به ابعاد منفی و مثبت قضیه، تلاش دولتها در دستیابی به فن‌آوری رسانه‌ای و بعضاً سبقت در پرتاب ماهواره‌های اطلاعاتی و تلویزیونی، راه اندازی شبکه‌های جهانی تلویزیونی و غیره، این فرضیه را تقویت می‌نماید که در دنیای کنونی، اقدام متقابل در

شبکه گسترده رسانه‌ای بمراتب از اهمیت و ضرورت فزاینده و بیشتری برخوردار شده است. رابعاً، عطف به فرضیه نخست، ارسال برنامه‌های غیرمجاز، مصداق نقض تعهد بین‌المللی بوده و طبعاً مسئولیت بین‌المللی دولت یا دولت‌های ارسال‌کننده چنین برنامه‌هایی را در پی دارد.

۱- پیشینه اقدامات متقابل و مفاهیم مرتبط با آن

یکی از مهمترین مسائل مطرح در حقوق بین‌الملل مساله ضمانت اجرای قواعد آن است. در میان راهکارهایی که برای تقویت ضمانت اجرای قواعد حقوق بین‌الملل وجود دارد، اقدامات "خود یاری" (Self-help) و "مقابله به مثل" (Reciprocity) بوده که از ابتدای تدوین حقوق بین‌الملل وجود داشته و کشورها به عنوان یکی از موثرترین راههای جبران خسارت و واداشتن سایر کشورها به رعایت تعهداتشان از آن استفاده می‌کردند. از نظر تاریخی، اقدامات متقابل با رفتار بیگانگان و حمایت از منافع اقتصادی آنان مرتبط بوده است. حتی قبل از ظهور حقوق بین‌الملل، رویه‌های قرن چهاردهم، حق یک شاهزاده نشین به دادن حقوق اقدامات متقابل شخصی به یک فرد در خصوص بیعدالتی شاهزاده نشین‌های خارجی را به رسمیت شناخته بود. البته اقدامات مذکور، فقط در برابر اقداماتی که در چارچوب مفهوم بی‌عدالتی قرار می‌گرفت، اتخاذ می‌شد و بعدها، بی‌عدالتی و اقدامات متقابل از لحاظ مفهومی جدا شدند.

اقدامات خودیاری و مقابله به مثل در گذشته به دو صورت مسلحانه و غیرمسلحانه صورت می‌گرفت و کشورها در انتخاب هر کدام از این اشکال آزاد بودند. علی‌رغم عدم وجود محدودیت در توسل به اقدامات مسلحانه و غیرمسلحانه، مشروعیت این اقدامات مبتنی بر تحقق شرایط و رعایت محدودیت‌هایی بود. پس از جنگ دوم جهانی و ممنوعیت توسل به زور در منشور ملل متحد، شکل مسلحانه این اقدامات نیز ممنوع شد. اما در خصوص اینکه آیا نوع غیرمسلحانه آن ممنوع شده است یا نه، اختلاف نظر وجود آمد. دکترین غالب، آراء داوری و قضایی و همچنین رویه کشورها پس از منشور اختلاف نظرات را تا حدود زیادی برطرف کرد و باعث شناسایی مجدد مشروعیت اقدامات مقابله به مثل غیرمسلحانه شد.

از آن پس، در خصوص ممنوعیت اقدامات مزبور، مستمراً تلاش‌های ناموفقی در معاهده-ساز چندجانبه در خصوص رفتار با بیگانگان، هم بین جنگ‌های جهانی و هم بعد از جنگ

جهانی دوم صورت گرفت. این اقدامات بعدها هم در طرح پیش نویس مسئولیت بین‌المللی دولت، که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تهیه شد و همچنین در رأی داوری سرویس‌های هوایی و قضیه گاپچیکوو-ناجیماروس به "اقدامات متقابل" (Countermeasures) تغییر نام داد. بنابراین با توجه به بافت و ساختار افقی نظام حقوق بین‌المللی در پرتو تساوی حاکمیت دولتها و همچنین نبود یک قدرت برتر و مافوق جهانی، استفاده از ضمانت‌اجراهای فردی در این عرصه توجیه منطقی دارد که از جمله آنها، با توجه به مباحث پیش گفته، اقدام متقابل بوده که جزء مهم‌ترین مباحث مطرح در رابطه با مسئولیت بین‌المللی دولت‌هاست. اختصاص یافتن مواد ۴۹ تا ۵۳ از بخش سوم فصل دوم طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی ناشی از رفتار خلاف دولتها بیانگر اهمیت این ضمانت اجرای بین‌المللی در خصوص نقض تعهدات بین‌المللی دولتها در روابط فیما بین است. (راعی‌دهقی، ۱۳۹۰، صص ۱۰۳-۱۱۶)

۲- تمایز اقدامات متقابل با سایر اقدامات قهری یکجانبه

در ابتدا، بمنظور ارزیابی مناسب عملکرد دولت راجع به اقدامات متقابل، لازم است آنها را از دیگر اقدامات قهری یکجانبه متخذه در دفاع از مصالح جمعی متمایز کنیم. مخصوصاً، اقدامات متقابل دولتها ثالث باید از تحریم‌های سیاسی و اقتصادی مأذون از سوی سازمانهای بین‌المللی (برای مثال مطابق فصل هفتم منشور ملل متحد)، اقدامات متقابل دو جانبه، معامله به مثل، فشار اقتصادی، لغو، تعلیق و خاتمه معاهده مطابق مواد (۵۶)، (۶۰) و (۶۲) کنوانسیون حقوق معاهدات وین، دفاع مشروع جمعی و حق اتخاذ اقدامات قهری یکجانبه در فسخ و ابطال تعهدات خاص معاهده‌ای همچون استثناء شورای امنیت در ماده (۲۱) گات تمییز داده شود. اگرچه تمایز بین شقهای متعدد عملاً کار آسانی نیست.

اقدامات تلافی‌جویانه و اقدامات متقابل بعلت فقد مقام اجرایی رسمی در روابط بین‌الدولی از "مکانیزم‌های خود حقی" ضروری بوده‌اند. برخی از نویسندگان حقوق بین‌الملل بر این عقیده‌اند که اقدامات متقابل مترادف با اقدامات تلافی‌جویانه غیرقهری هستند. با این حال، بطور کلی، چنین معادله‌ای بنظر نادرست می‌آید، زیرا اقدامات متقابل گاهی اوقات بیشتر از مقابله به مثل نیستند. از طرفی، مقابله به مثل کاملاً متمایز از مفهوم تلافی هست، برای اینکه شامل نقض حقوق بین‌الملل نمی‌شود و بنابراین نیازمند مشروعیت نیست. بدین ترتیب، اقدامات متقابل به اقدامات تلافی‌جویانه‌ای اشاره دارد که دولت زیان‌دیده قانوناً مجاز به اتخاذ آن علیه دولت مرتکب عمل غیرقانونی است. اقدامات مزبور بخشی از

اختیارات احتیاطی دولت بوده و صرفاً متمایل به منافع دولتها هستند نه حقوق دیگران. (Partsch, 2000, pp 132-33) در مورد اقدامات تلافی‌جویانه باید اذعان نمود که اقدامات تلافی‌جویانه غیرمسلحانه و عمل متقابل در حقوق بین‌الملل جایز است، اما رویکرد عمومی، مجموع نظرات مجمع عمومی و شورای امنیت و همچنین تفسیر موسع از بند (۴) ماده (۲) و تفسیر مضیق ماده (۵۱) منشور ملل متحد، اقدامات مقابله به مثل مسلحانه را جز در قالب دفاع مشروع محکوم نموده، و آن را نامشروع می‌دانند.

در اقدام متقابل به اصل تناسب توجه می‌شود و البته ممکن است واکنش جدی‌تر و نه از نوع تعهد نقض شده را به دنبال داشته باشد. فی‌الواقع می‌توان گفت هدف بازدارندگی است. لکن در دفاع مشروع نه به جنبه بازدارندگی و نه ممانعت از نقض متعاقب توجه ندارد، بلکه هدف فقط توقف عمل خطا و متخلفانه است. طبق ماده (۵۱) منشور ملل متحد در صورت وقوع حمله نظامی علیه یکی از اعضا سازمان ملل متحد، هیچیک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی و یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. در واقع ماده مذکور استثنائی در مورد استفاده از زور در عرصه بین‌الملل را در بطن خود جای داده است و براساس آن اگر کشورها مورد تهاجم نظامی قرار گیرند، مجاز خواهند بود تا بصورت انفرادی و یا متفق با دیگر کشورها به دفاع از خود بپردازند. دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده ۱۹۸۶ نیکاراگوئه چنین اعلام نظر کرد: "اکنون هیچ حمله نظامی که باعث پدید آمدن حق دفاع مشروع برای آن کشور شده باشد بوقوع نیبسته است."

یکی از مشخصه و مؤلفه‌های اقدامات متقابل، تأخیر در پاسخ است. در حالیکه در دفاع مشروع تأخیر در واکنش بمنزله اعمال دفاع مشروع نیست. به عبارت دیگر، مشخصه تأخیر در واکنش قصد و نیت قبلی، امری است که اقدامات متقابل را از دفاع مشروع متمایز می‌کند. لذا در تفاوت میان اقدامات مزبور و دفاع از خود باید گفت، در اقدامات اولی نوعی هدف تنبیه‌ای و بازدارندگی ملحوظ است، اما در دفاع از خود، ممانعت از جرم آتی یا تنبیه متجاوزان کنونی وجود ندارد بلکه تمام توجه معطوف به توقف آن است. اقدامات متقابل، حقوق بین‌الملل عرفی یا قراردادی قوانین دولت زیان‌دیده را نقض می‌کنند، در حالیکه اقدامات معامله به مثل معمولاً دارای این اثر نیستند. در واقع، معامله به مثل غیردوستانه بوده و لکن به هر حال عمل مشروع و قانونی می‌باشد. (Crawford, 2000, para 3)

توسل یکجانبه به نیروی نظامی با توجه به مدت و عمومیت آن با حالت صلح مغایر است، لکن شیوه توسل به زور در اقدامات متقابل خصوصاً در وضعیت کنونی به شکل غیرمسلحانه و به طور محدود و موقت است و در این صورت مباین و مغایر با صلح نبوده و معمولاً اثری نسبت به دول ثالث ندارد. لذا همانطور که گفته شد، امروزه توجه به این امر از سوی کشورها مهم است که اقدامات متقابل در زمان صلح نباید صورت توسل به نیروی نظامی و زور داشته باشد. این امر به کرات از زمان انعقاد میثاق بریان-کلوگ و تأکید آن در منشور ملل متحد، در معاهدات متعددی مورد توجه و تصریح قرار گرفته است. از طرف دیگر، اقدام متقابل همیشه بعد از یک عمل خلاف بین‌المللی صورت می‌گیرد، درحالی‌که توسل یکجانبه به نیروی نظامی، مسبوق به عمل خلاف بین‌المللی نیست.

۳- پیشینه پخش برنامه‌های ماهواره‌ای

در طول دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، عمده‌ترین کاربرد ماهواره‌های مخابراتی عبارت بودند از: انتقال مکالمات تلفنی و تصاویر تلویزیونی از یک ایستگاه زمینی به ایستگاه زمینی دیگر، این ماهواره‌های نقطه به نقطه را سرویس ارتباط ثابت یا "اف اس اس" (Fix Satellite Service) می‌نامیدند. نکته مهم در این دو دهه آن بود که تقریباً تمام فعالیت‌های مخابراتی و تلویزیونی ماهواره‌ای در وزارتخانه‌ها یا سازمان‌های دولتی صورت می‌پذیرفتند و در نتیجه، اعمال حاکمیت و کنترل ملی بر محتوا یا کنترل ایستگاه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌ای محقق می‌شد.

نخستین ماهواره مخابراتی که در مدار همزمان زمین قرار گرفت، ماهواره "آنیک ای-۱" کانادا در سال ۱۹۷۲ بود که توسط اتحادیه رادیو-تلویزیون این کشور در مدار زمین قرار گرفت و از آن برای اتصال ایستگاه‌های زمینی نقطه به نقطه و نه پخش مستقیم برای گیرندگان استفاده می‌شد. اولین ماهواره پخش مستقیم برای گیرندگان در سال ۱۹۷۶ به نام "هرمس" (Hermes) در همین کشور به کار گرفته شد. نخستین ماهواره پخش مستقیم تلویزیونی آسیا در سال ۱۹۸۴ در کشور ژاپن با نام "یوری ای-۲" به فضا پرتاب شد که سرریز امواج آن به جزایر کشورهای همسایه مسأله ساز شد. اما تبدیل شدن پخش مستقیم ماهواره‌ای به یک مسأله مهم جهانی با پرتاب ماهواره "آسترا" (Astra) در دسامبر ۱۹۸۸ و آغاز فعالیت آن در فوریه ۱۹۸۹ مصادف شد. در قاره آسیا، این پدیده با پرتاب ماهواره "آسیاست ۱" در آوریل ۱۹۹۰ و شروع پخش مستقیم تلویزیونی از طریق ماهواره شرکت هنگ‌کنگی "استار تی وی" در اکتبر ۱۹۹۱ به طور جدی مطرح شد.

Man Chan, 1994, pp 112-131) در ابتدا، دریافت کانال‌های تلویزیونی این ماهواره در مناطق مرزی کشور ایران تنها با بشقاب‌هایی به قطر سه متر عملی بود. اما با تقویت امواج در سال ۱۹۹۳، بشقاب‌های به قطر ۱/۸ متر تصویر واضحی را دریافت می‌کردند. افزایش قدرت پخش ماهواره‌ها به کاهش فزاینده اندازه و قطر بشقاب‌ها منجر شد و همزمان نیز قیمت دستگاه‌های گیرنده به دلیل تولید انبوه کاهش یافت. نتیجه این تغییرات، بالا رفتن مطلوبیت ماهواره برای مصرف‌کنندگان در کل دنیا و از جمله ایران بود. (حسن نیا و سرادقی، ۱۳۸۵، صص ۱۸-۱۴)

اما استفاده از ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیونی و به طور کلی وجود ماهواره‌های بین‌المللی مخابراتی و تجاری اینترنت و... سبب شد که این ماهواره‌ها نه تنها کنترل خطوط تلفن بلکه پخش برنامه‌های ماهواره‌ای در کشور خود و دیگر کشورها را در اختیار بگیرند. این روند باعث ورود به حوزه اطلاعاتی دیگر کشورها شد و با نفوذ در حوزه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنها امنیت دیگر کشورها را به خطر انداخت. بنابراین طبیعی بود که کشورهای دیگر از جمله، کشورهای عضو سازمان جنبش عدم تعهد در دفاع از خود در برابر این ماهواره‌ها به فعالیت بپردازند. نقطه آغازین این مهم از آنجایی پا گرفت که بعد از جنگ، کشورهای نواستقلال یافته در آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا با یکدیگر متحد شده و با پس گرفتن سیاست نه شرقی و نه غربی یعنی؛ نه شوروی سوسیالیستی و نه آمریکای سرمایه داری سازمانی تحت عنوان "جنبش غیرمتعهدها" تشکیل دادند- یعنی هیچ تعهدی به بلوک شرق و غرب نداشته و مستقل عمل می‌کنند- اعضای این جنبش در آغاز ۲۹ کشور بودند که به رهبری نهرود در سال ۱۹۵۵ در شهر باندونگ اندونزی تشکیل جلسه داد و اصول و استراژیهای مهم خود را طرح و به تصویب رساند که از جمله این اصول، احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها و عدم مداخله در امور آنها و مبارزه با تبعیض نژادی و مبارزه با توسعه نیافتگی و... بود. البته این سازمان در درون تشکیلات خود از مشکلاتی همچون؛ ناهمگونی کشورها با هم، نداشتن تکنولوژی‌های پیشرفته، توجه به منافع گروهی در هر کشور که منافع ملی را تحت‌الشعاع قرار می‌داد و نبود ضمانت اجرا برای طرحهای توسعه و... رنج می‌برد. بعدها اعضای این سازمان به ۱۵۰ کشور رسید. گستره اتحاد این کشورها باعث شد که دو بلوک شرق و غرب سعی کنند در روابط بین‌المللی اهداف خود را همسو با اهداف آنها نشان دهند.

۳-۱ ملاحظات کلی

اولین ماهواره‌ای که در ۴ اکتبر ۱۹۷۵ میلادی به مدار کره زمین پرتاب شد و از آن زمان به بعد، ماهواره‌های متعددی از فضای کشورها عبور کرده است، از جمله؛ در سال ۱۹۶۲ که ماهواره تلویزیونی «تل استار» فعالیت ماهواره‌ای را در مدار زمین و در گستره ماورای جو گسترش داد، هرگز گمان نمی‌رفت این ابزار مخابراتی، با بهره‌گرفتن از اصل گردش آزاد اخبار و اطلاعات در دنیای ارتباطات و با توسل به حقوق بنیادین بشر و حق به رسمیت شناخته شده شهروندان، کم‌کم بهانه تاخت و تازها و تهاجمات کنترل نشده ماهواره‌ها بر ارزشهای فرهنگی و اخلاقی ملل گردد. فعالیت ماهواره‌ها، مشکلات و سئوالات حقوقی بسیاری را پیرامون حدود آزادی عمل این رسانه، نقض حاکمیت دولتها، دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم در امور داخلی کشورها، نارضایتی بسیاری از کشورها را در برداشته است. البته در طول سالیان دراز، هیچ دولتی به صرف پرتاب ماهواره اعتراضی نکرده و رفتار دولت‌های پرتاب‌کننده ماهواره‌ها به دلیل همین رویکرد دول دیگر موجب به وجود آمدن قاعده جدیدی در حقوق بین‌الملل شده است که بر اساس آن می‌توان گفت: "دولت‌ها حق دارند ماهواره‌های خود را به فضای قلمرو دولت‌های دیگر بفرستند". در این صورت، به نظر می‌رسد قواعد حقوقی فضا با قواعد حریم هوایی دولت‌ها فرق داشته باشد. (اکهرست، {سیدی، ۱۳۷۳، ص ۲۶۰} با وجود این، چنین نبوده است که فضای ماورای جو فاقد هرگونه قاعده و مقرراتی باشد. مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۲ در قطعنامه شماره ۲۹۱۶ (XXVII) خود بر لزوم تدوین اصول حاکم بر نحوه استفاده کشورها از ماهواره‌های زمینی برای پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی تأکید نمود. همچنین در قطعنامه‌های بعدی، از جمله در قطعنامه شماره ۳۵/۳۶ خود در ۱۸ نوامبر سال ۱۹۸۱ مقرر کرد تا در سی و هفتمین اجلاس سازمان ملل توافقی در زمینه پیش‌نویس اصول حاکم بر چگونگی استفاده کشورها از ماهواره‌های زمینی برای پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی در سطح بین‌المللی به عمل آید. این تلاش‌ها منجر به تدوین اصولی شد که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌شود:

- بر اساس مواد یک و دو و سه، فضای باز ماورای جو برای بهره‌برداری و استفاده کلیه دول آزاد است... اکتشاف و استفاده از فضا باید با توجه به منافع همه دولت‌ها صورت گیرد... و کار آنها باید مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل باشد. (اکهرست، پیشین، ص ۲۶۱)

- فعالیت‌ها در زمینه پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی در سطح بین‌المللی با استفاده از ماهواره، باید به روشنی انجام گیرد که با حق حاکمیت کشورها، از جمله اصل عدم دخالت

و نیز حق هر کس برای جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و نظرات چنان که در اسناد سازمان ملل محترم شمرده شده است، منافات نداشته باشد. (مجله مجلس و پژوهش، پیشین، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۱)، صص ۴۵ - ۴۶)

- چنین فعالیت‌هایی باید مشوق نشر آزاد و مبادله دو طرفه اطلاعات و دانش در زمینه های فرهنگی و علمی بوده، به توسعه برنامه‌های آموزشی، اجتماعی و اقتصادی و به ویژه در کشورهای در حال توسعه کمک کند، کیفیت زندگی همه انسان‌ها را ترقی داده و با احترام به تمامیت حقوق سیاسی و فرهنگی کشورها، برنامه های سرگرم کننده‌ای پخش نماید.

- این فعالیت‌ها باید مطابق روش سازگار با توسعه تفاهم دوجانبه و تقویت روابط دوستانه و همکاری صمیمانه بین همه کشورها و مردم در راه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام شود.

- فعالیت‌های پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی در سطح بین‌المللی با استفاده از ماهواره، باید مطابق با حقوق بین‌الملل، از جمله منشور سازمان ملل متحد، پیمان اصول حاکم بر فعالیت‌های کشورها در اکتشاف و استفاده از فضای مابرای جو، از جمله ماه و سایر سیاره‌های خاکی، مصوب ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷ و مقررات مربوط به کنوانسیون ارتباطات بین‌المللی و مقررات رادیویی آن و اسناد بین‌المللی مربوط به ایجاد روابط دوستانه و همکاری در میان کشورها و حقوق بشر باشد. (همان، صص ۱۵-۱۷)

موضوع دیگری که قابل توجه است، اینست که؛ تا زمانی که استفاده از ماهواره‌های پخش برنامه‌های تلویزیونی احتیاج به دستگاه‌های زمینی با آنتنهای بزرگ داشت، پخش برنامه‌های تلویزیون بوسیله ماهواره مسئله‌ای بین کشورهای جهان ایجاد نمی‌کرد. ولی با توسعه تکنولوژی ماهواره‌ای و امکان دریافت برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در منطقه، پخش آنها با آنتن‌های بشقابی کوچک چند سانتی متری و به بازار آمدن تلویزیون‌هایی که آنتن مخصوص دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای در خود آنها جاسازی شده، مسئله صورت دیگری پیدا کرد و کشورهای جهان سوم را با توسل به اصل حاکمیت ملی از یک طرف و کشورهای طرفدار آزادی بدون قید و شرط انتقال برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به استناد اصل جریان آزاد اطلاعات از سوی دیگر در مقابل هم قرار داد. اصول یادشده در ادامه به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲-۳ - اصول حقوقی حاکم بر پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای ۳-۲-۱ - اصل حاکمیت و پخش ماهواره‌ای

در زمینه پخش ماهواره‌ای، قطعنامه ۲۹۱۶ سال ۱۹۷۲ قابل ذکر است که مفاد آن به شرح ذیل است: حاکمیت ملی دولتها نباید از طریق برنامه‌های ماهواره‌ای مورد خدشه قرار گیرد، پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی نباید بگونه‌ای طراحی، اجرا و فرستاده شود که؛ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر انداخته و موجب سوء تفاهم بین ملتها شود. یا مطابق اصل حاکمیت دولتها و ارتباطات زمینی معطوف به اعلامیه ۱۸۶۵ مواردی از قبیل کنترل پخش اعم از صوتی و تصویری، مانند پخش آن در قلمرو حاکمیت یک دولت، علیرغم بحث‌انگیز بودن آن از حقوق دولت ذیربط بوده و این موضوع تا بحال مورد اعتراض هیچ دولت دیگری قرار نگرفته است، منصرف از این امر که انتشار امواج رادیویی نیاز به نصب تجهیزات در داخل کشور دیگر ندارد. بنا بر اصل حاکمیت، انتشار امواج هیچ فرقی از جنبه حقوقی میان استفاده از فضای هوایی و پخش رادیویی وجود ندارد، یعنی همانگونه که هوا تحت حاکمیت دولتهاست، پخش امواج رادیویی نیز باید تحت حاکمیت دولتها باشد. در حالیکه نقطه مقابل این دیدگاه را هم داریم که آزادی پخش امواج رادیویی دنباله رو آزادی فضاست، همانطور که فضای ماوراء جو آزاد است، پخش امواج رادیویی نیز آزاد بوده و تحت حاکمیت دولتها نیست. و در نهایت دیدگاهی نیز در این زمینه مطرح است که همه دولتها می‌توانند مقرراتی برای استفاده و کنترل امواج تنظیم کنند و این امر منافاتی با بحث آزادی پخش امواج ندارد و از سوی دیگر حاکمیت مطلق کشورها را هم به ذهن متبادر نمی‌کند.

علی‌رغم آزادی پخش و شناسایی آن به عنوان اصل حقوق بین‌الملل عرفی دولتها، گیرنده می‌تواند اقدامات پیشگیرانه را انجام دهند، اگرچه محدودیت‌های چندی نیز برای اعمال آن در نظر گرفته شده است. با وجود استثنائاتی چند نسبت به اصل آزادی پخش، هیچ‌گاه مقرراتی راجع به اخذ رضایت یا موافقت دول گیرنده تا دهه هشتاد تنظیم نشده بود، تا اینکه در سال ۱۹۸۲ و از جمله محورهای مهم مطرح در قطعنامه شماره ۳۷/۹۲ تحت عنوان اصول حاکم بر استفاده دولتها از ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیونی و با تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران، این مهم عملی و به وقوع پیوست، که در فصل سوم مورد بحث قرار خواهد گرفت.

در زمینه پخش ماهواره‌ای، شوروی و دیگر کشورهای بلوک شرق از جمله کشورهایی بودند که بر شناسایی اصل حاکمیت مطلق دولت‌ها اصرار داشتند و هرگونه

ارسال برنامه‌های ماهواره‌ای را بدون رضایت و موافقت کشورهای گیرنده مخالف اصل حاکمیت و ناقض آن دانسته و آن را موجب ایجاد تنازعات و تعارضات بین‌المللی می‌دانستند. بر این اساس شوروی خواستار حمایت از حاکمیت دولت‌ها در قبال هرگونه تعرض خارجی شده بود. علاوه بر آن دولت شوروی هرگونه فعالیت در خصوص ارسال برنامه‌های ماهواره‌ای را تنها بر اساس احترام متقابل به حاکمیت دول و اصل عدم مداخله در امور کشورها، تساوی و همکاری دول و منافع مشترک آنان جایز می‌دانست. این طرح، بعدها با حمایت پنج کشور دیگر به عنوان طرح «شش قدرت» و مجدداً با تأکید بر حفظ حاکمیت ارائه شد. (ر.ک. کدخدایی، ۱۳۷۹)

اختلاف نظر عمیق دولت‌ها در مورد اصل پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای باعث شد که مجمع عمومی در تصویب قطعنامه ۳۷/۹۲ با عنوان اصول کلی حاکم بر استفاده دولت‌ها از ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیونی به ناچار و برای اولین بار از شیوه تثبیت شده خود در تصویب تصمیمات کوپوس، یعنی کنسانسوس عدول کند و این قطعنامه را به رأی بگذارد. این قطعنامه روشن ساخت که اکثریت دولت‌ها مایل به پشتیبانی از اصل رضایت قبلی، حتی تحت لوای مشاوره و توافق در مورد ماهواره‌های پخش مستقیم هستند. (ر.ک. زمانی، کار گروهی، ۱۳۸۱)

۲-۲-۲- اصل رضایت قبلی دولت‌های دریافت‌کننده

علیرغم تلاش شوروی و اقمار آن در خصوص اصل تحصیل رضایت قبلی دولتهای دریافت‌کننده معطوف به اصل حاکمیت، هیچ دولتی برای پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای خود را مکلف به کسب رضایت قبلی یا بعدی دولت‌های محل دریافت برنامه‌ها تلقی نکرده است؛ حتی دولت‌های فوق‌الذکر که پیشتر، سرسختانه از اصل حاکمیت و لزوم کسب رضایت جانبداری می‌کردند. رویه بین‌المللی گویای این حقیقت است که از سال ۱۹۸۴ به بعد در مورد نفس پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای هیچ اعتراض صریح و مؤثری در اسناد و مکاتبات دیپلماتیک دو جانبه و چند جانبه به ثبت نرسیده و جامعه بین‌المللی در مقابل این واقعیت تمکین کرده است. دولت‌های محل دریافت حتی با اتکا به اقدامات یک جانبه‌ای چون تحریم‌های اقتصادی، انسداد اموال و یا ارسال پارازیت به مقابله با جریان آزاد برنامه‌های ماهواره‌ای برنخواستند. (همان) البته همانگونه که در فصل پیشین گذشت، آنجائیکه چنین برنامه‌هایی ممکن است با اخلاق و نظم عمومی و همچنین فرهنگ دولتهای دریافت‌کننده در تغایر و تعارض باشد، دولتهای مزبور با تصویب قوانین و ارسال پارازیت و همچنین با ایجاد محدودیتهایی به مقابله با دریافت امواج ارسال

برنامه‌های ماهواره‌ای نمودند. شایان ذکر است یکی از محورهای قطعنامه شماره ۳۷/۹۲ سال ۱۹۸۲ تحت عنوان اصول حاکم بر استفاده دولت‌ها از ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیونی نیز مبین تحصیل رضایت قبلی می‌باشد؛ اگر دولتی بخواهد برنامه پخش مستقیم داشته باشد و در کشور دیگری دریافت شود باید رضایت قبلی آن کشور را بگیرد. در سال ۱۹۷۱ کنفرانس رادیویی اتحادیه بین‌المللی مخابرات به وضع مقرره‌ای پرداخت که صبغه لزوم کسب رضایت قبلی برای پخش برنامه‌های ماهواره‌ای داشت که این مورد در کنفرانس رادیویی سال ۱۹۷۷ در قالب مقرره شماره ۶۲۲۲ نیز درج شد. اما گفته می‌شود که این مقررات فقط به عنوان مقرره‌های فنی و به منظور استفاده کارآمد و منصفانه از طیف مداری - فرکانسی تفسیر می‌شود و معیاری برای تعیین تکلیف مسائل سیاسی اختلاف برانگیز میان طرفداران اصل جریان آزاد اطلاعات و حامیان مفهوم مطلق حاکمیت نیست. بعلاوه مقررات مصوب اتحادیه فقط برای کشورهای عضو الزام آور است. مقررات یاد شده نیز به علت پیشرفت‌های فنی تجهیزات دریافت اصولاً مهجور مانده‌اند. (همان، ۱۳۸۱)

ناگفته نماند، با تلاش جمهوری اسلامی ایران مسئله رضایت قبلی کشورهای دریافت کننده برنامه‌های ماهواره‌ای به تصویب رسید که در زمان خود از سوی کشورهای صاحب فن مورد مخالفت جدی قرار گرفت. (کدخدایی، پیشین، ۱۳۷۹)

۳-۲-۳- اصل مسئولیت دولت‌ها و منع سوء استفاده از حق

از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۲ که قطعنامه ۳۷/۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، مهمترین دوران شکوفایی بخشهای مربوط به حقوق فضا در کویپوس خصوصاً بحث مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال پخش مستقیم ماهواره‌ای است. برای ورود به بحث اصلی لازم است اشاره‌ای به مهمترین دسته‌بندی دیدگاه‌های نمایندگان دولت‌ها در کویپوس انجام گیرد:

۱- گروهی از دولت‌ها معتقدند؛ لازم نیست که کویپوس طرح خاصی دایر بر تهیه پیش‌نویس کنوانسیون یا معاهده‌ای در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال پخش مستقیم ماهواره‌ای تقدیم مجمع کند، زیرا اصل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اصلی مسلم و پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل است که اگر به دولت‌ها خسارت وارد کنند دارای مسئولیت بین‌المللی هستند. به عبارت دیگر هیچ دولتی حق ندارد به استناد حق خود اقدامی انجام دهد که دولت‌های دیگر از آن متضرر شوند.

۲- دسته‌ای دیگر از دولتها بر این باورند؛ نیازی به تدوین مقررات جداگانه‌ای در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولتها در قبال پخش مستقیم ماهواره‌ای نیست، زیرا در حال حاضر این گونه فعالیتها مشمول ماده (۶) معاهده فضا بوده و به موجب ماده مذکور دولتها در قبال فعالیت‌هایی که در فضا انجام می‌دهند دارای مسئولیت بین‌المللی هستند و فعالیت‌های مرتبط با پخش مستقیم ماهواره‌ای از طریق ایستگاههای فضایی یا قمرهای مصنوعی پرتاب شده صورت می‌گیرد.

۳- دسته سوم معتقدند، چون پخش مستقیم ماهواره‌ای به عنوان پدیده‌های متأخر از معاهده فضا محسوب می‌شود، بنابراین معاهده (۶) فضا و مفهوم مسئولیت بین‌المللی مذکور در آن ماده مشمول دیگر فعالیت‌های فضایی دولتها می‌شود، ولی در برگیرنده فعالیت‌های پخش مستقیم ماهواره‌ای نیست. مضاف بر اینکه جریان آزاد اطلاعات نیز اصلی پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل کشورها محسوب می‌شود.

۴- گروه چهارم که در پاسخ به طرفداران جریان آزاد اطلاعات ارائه شد، استدلال می‌کردند که ماده (۶) معاهده فضا جنبه حصری نداشته و مشمول تمامی فعالیت‌های قبل، همزمان و بعد از تصویب آن معاهده نیز می‌شود، زیرا معاهده مذکور بطور مطلق متعرض فعالیت‌های فضایی شده است نه نوع خاصی از فعالیت‌های فضایی.

۵- و در نهایت گروهی بر این باورند؛ باید ارتباط و پیوندی رسمی بین مسئولیت بین‌المللی دولتها در قبال فعالیت‌های پخش مستقیم ماهواره‌ای و حقوق بین‌الملل ایجاد شود و بطور محتاطانه خواهان صریح مقررات حقوق بین‌الملل از طریق معاهده یا کنوانسیون در خصوص مسئولیت بین‌المللی در قبال پخش مستقیم ماهواره‌ای بود.

پس از بیان دیدگاههای مطرح شده در کویوس در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولتها در قبال پخش مستقیم ماهواره‌ای تعارض و اختلاف عمیق دولتها مانع از آن شد تا کنفرانس‌های حقوقی فضا به یک اتفاق نظر پذیرفتنی دست پیدا کنند و در اوایل ۱۹۹۰ با فروپاشی شوروی دچار رکود اساسی شد و تاکنون نیز اقدامات و فعالیت‌های موثری در این ارتباط صورت نپذیرفته، اگر چه طرحها و پیش‌نویس‌های متعددی تهیه و ارائه شده است. جالب است بدانیم موضعی را که سرانجام مجمع عمومی سازمان ملل متحد از میان دیدگاههای رایج و کنفرانس‌های حقوقی فضا رایج به مسئولیت بین‌المللی دولتها در قبال پخش مستقیم ماهواره‌ای اتخاذ کرده عبارت است از اینکه: «دولتها باید مسئولیت بین‌المللی خود را در قبال فعالیت‌هایی که در زمینه پخش مستقیم تلویزیونی از طریق

بکارگیری ماهواره انجام می‌دهند، اعم از اینکه خودشان انجام دهند یا تحت صلاحیت یا نظارت آنها صورت گیرد باید با اصول وضع شده در این قطعنامه منطبق کنند.» علاوه بر محدودیت‌های مذکور، محدودیت ذاتی به نام "اصل عدم سوء استفاده از حق" وجود دارد که عبارت است از: «رعایت حقوق دیگران یا ضرر نرساندن به آنان که در حقوق اسلام درباره آن تحت عنوان قاعده لاضرر بحث شده است.» فرضیه‌ای با توجه به نظر کشورهای در حال توسعه و برخی کشورهای پیشرفته وجود دارد که اصل آزادی پخش از سوی کشورهایی چون آمریکا و حامیان آن در راستای بسط ابزارهای استعمار فرهنگی مطرح شده است؛ و اصل حاکمیت دولتها و به تبع آن لزوم کسب رضایت قبلی برای ارسال برنامه‌های مستقیم ماهواره‌ای کماکان معتبر تلقی می‌شود، برای توجیه اقدامات متقابل دولتهایی که به واسطه عمل ارسال مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای حاکمیتشان نقض شده است، مبنای حقوقی وجود دارد. در حقیقت در این صورت با توجه به وصف نامشروع عمل ارسال برنامه‌های مستقیم ماهواره‌ای، توسل به اقدامات متقابل در برابر آن علی‌الاصول مشروع و قانونی است؛ گرچه مشروعیت واکنش دولت زیان‌دیده وی را از توسل به اهرم اقدام متقابل که برای زایل ساختن وصف متخلفانه عمل ادعایی به کار می‌رود، بی‌نیاز می‌سازد. فرض دوم آن است که از یک سو با توجه به رویه عملی دولتها در زمینه پخش برنامه‌های مستقیم ماهواره‌ای و مشارکت گسترده‌شان در این عرصه، و از سوی دیگر با توجه به عدم واکنش مؤثر و جدی دولتهای دریافت‌کننده برنامه‌های ارسالی، این طور نتیجه بگیریم که اصل آزادی پخش به عرصه حقوق بین‌الملل عام راه یافته و در مقابل همگان قابل استناد است. حال آیا توسل به اقدام متقابل در برابر چنین عمل به ظاهر قانونی موجه می‌نماید و دولت محل دریافت برنامه‌های ارسالی باز هم در مقابله با آنها آزاد است؟ اجمالاً پاسخ این سؤال منفی است، لیکن نباید از یاد برد که وجود یک حق و نحوه اعمال آن دو مسأله متفاوت می‌باشند. کما این که اصل منع سوء استفاده از حق دقیقاً بر همین نکته دلالت دارد. (همان، ۱۳۷۹) با توجه به موارد فوق الذکر، می‌توان چنین تصمیم‌گیری کرد که هرگونه ارسال امواج رادیویی یا تلویزیونی، علی‌رغم صحت آن بر اساس اصل آزادی، نمی‌تواند بدون محدودیت باشد و چنانچه این برنامه‌ها به نحوی از انحاء روی مردم کشور دریافت‌کننده تأثیر بگذارد، این امر مشمول اصل منع سوء استفاده از حق بوده و چه بسا در این رابطه بتوان ادعای خسارت و درخواست توقف ارسال آن برنامه‌ها را مطرح کرد.

با استناد به اصول ذکر شده در فوق و ذیلاً (اصول حاکمیت، مسئولیت دولت‌ها، منع سوء استفاده از حق و آزادی اطلاعات)، و ضمن تأکید بر استقلال دولت‌ها می‌توان از

کشورهای ارسال کننده درخواست کرد تا قبل از ارسال این گونه برنامه‌ها با دیگران مشورت کرده و به توافق برسند. در این صورت از یک طرف اصل حاکمیت دولت‌ها محترم شمرده شده و از طرف دیگر نسبت به اصل آزادی اطلاعات اقدام شده است.

۳-۲-۴- اصل آزادی اطلاعات

آزادی اطلاعات و ارتباطات هرچند در ظاهر حد و مرزی برایش قائل نمی‌شوند، اما مراجعه به قوانین و مقررات کشورهای دیگر حکایت از تبصره‌های گوناگون و متعددی دارد که این قانون را از فلسفه وجودی خود خارج ساخته است. اهمیت آزادی اطلاعات، به عنوان یک حق بنیادین بشری، در نخستین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ و نیز در قطعنامه شماره پنجاه و نهم چنین به رسمیت شناخته شده است: «آزادی اطلاعات حق بنیادین بشر و سنگ بنای تمامی آزادی‌هایی است که سازمان ملل خود را وقف آن کرده است.» براین اساس، دانستن یک حق بنیادین بشری است که همگان باید از آن برخوردار باشند. آزادی اطلاعات و حق دسترسی، سازکاری است که امکان دانستن را نیز برای شهروندان فراهم می‌آورد. از دیدگاه تصویب‌کنندگان قطعنامه، آزادی اطلاعات از اهمیتی ذاتی برخوردار بوده و آزادی‌های دیگر بر آن استوار می‌شود. سند مورد استناد دیگر، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ است که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. براساس ماده (۱۹) این اعلامیه: «هرکس حق آزادی عقیده و بیان را داراست، این حق شامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته و در کسب اطلاعات و اندیشه‌ها و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.»

از منظر آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعاتی که در اختیار دولتهاست، کلیه واژه‌های مورد توجه در ماده نوزده اعلامیه و میثاق؛ "حق آزادی جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات است (Right of freedom of Search, Receiving & Issue)." در واقع کلمه‌های «جستجو»، «دریافت» و «انتشار» در اعلامیه جهانی حقوق بشر، همچون اجزای تشکیل دهنده، حقی تقسیم‌ناپذیر به شمار رفته‌اند. حال، آیا آزادی در کسب اطلاعات و افکار و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، مطلقاً بدون هیچ محدودیتی به رشد و شکوفایی جوامع کمک خواهد کرد و نباید نسبت به آن هیچ ممنوعیتی اعمال داشت؟ یا این که آزادی مطلق در هیچ زمینه‌ای معقول نیست، بلکه از نظر حقوقی با توجه به اصل حاکمیت دولت‌ها، که یکی از اصول اساسی منشور ملل متحد و نیز

در روابط بین‌المللی است، ارسال اطلاعات - به نحو اطلاق - چه بسا منافی با حاکمیت بوده و باید در انتشار آن، محدودیت‌های جغرافیایی و رضایت دولت‌های گیرنده برنامه‌ها از قبل اخذ شده باشد؟

امروزه جمع‌آوری، آماده‌سازی و در دسترس قرار دادن اطلاعات، بسیار متحول شده و از سوی دیگر، در جایی که اطلاعات وجود دارد، تصمیم‌گیری چه فردی و چه جمعی سهل‌تر است. اما، روی دیگر این سکه (آزادی اطلاعات)، آلودگی‌های اطلاعاتی است که به مراتب از آلودگی‌های زیست محیطی خطرناک‌تر است و انتشار این آلودگی نیز از راه‌های بسیار زیرکانه و از روی قصد و عمد به منظور خاصی از سوی افراد و شرکت‌های متخصص با شگردهای گوناگون صورت می‌گیرد که از جمله آنها و بلکه مؤثرترین و با فن‌آوری بالا، سیستم پخش مستقیم ماهواره است. گاندی می‌گوید: «من دلم می‌خواهد که از پنجره خانه من، تمام فرهنگ‌ها مانند نسیم به داخل خانه بوزد، ولی اگر آن نسیم به طوفانی تبدیل شود که بخواهد مرا جاکن کند، تمام پنجره‌ها را خواهم بست.» (سروش، ۱۳۷۱، ص ۵۲) از سوی دیگر، تبلیغاتی که از این طریق بوسیله دولت یا دولت‌ها علیه دولت یا دولت‌های دیگر صورت می‌گیرد، گویای این واقعیت است که ارسال‌کنندگان این نوع از برنامه‌ها در قالب تبلیغات کذایی در تلاش برای تأثیر گذاشتن بر دیگران و همچنین اقتناع و تغییر آراء آنان در قبال مسائل معین می‌باشد. درست است که واژه تبلیغات (propaganda) در اصل احترام‌آمیز بوده است، اما امروزه معنای ناپسندی از آن استفاده می‌شود، مثل: «دخل و تصرف در عقاید به منظوره‌های معینی». حال اگر مقصود و منظور از آن، همین معنا باشد، در این صورت محکوم و مذموم است. به عبارت دیگر، تبلیغات به خودی خود، نه خوب است و نه بد؛ خوبی و بدی آن بسته به استفاده‌ای است که از آن می‌شود.

یکی از سلاح‌های برنده عصر حاضر، قدرت پیام است که از طریق تلویزیون، رادیو، ماهواره، انواع مطبوعات، ویدیو و تلکس‌ها به صورت مستمر در جهان پراکنده می‌شود. این وسیله قادر است گروه، قوم، کشور و حتی جهان را چنان تحریک کند که منجر به جنگ‌ها و قتل نفوس شود و یا در چند ساعت، یک نفر بی‌گناه را به نحوی جنایت‌کار نشان دهد که بلافاصله توسط مردم کشته شود یا یک فرد عادی را به سرعت مشهور و صاحب نام کند. لذا این مهم باعث شد تا مجمع عمومی قطعنامه شماره ۱۱۰ را در سال ۱۹۴۷ پس از جنگ جهانی دوم تحت عنوان "قطعنامه ضدتبلیغ یا پروپاگاندا به نام اقداماتی علیه تبلیغات و محرک‌های جنگ جدید" با مفاد ذیل به تصویب رساند:

«تمامی اشکال تبلیغات، در هر کشوری که صورت گیرد، چنانچه به هر نحوی صلح بین-المللی را تهدید کند یا آن را مورد مخاطره قرار دهد یا تحریک به جنگ و تجاوز کند، و

پخش و انتشار آن دسته از اطلاعات، برنامه‌ها و تبلیغاتی که؛ به منافع سیاسی و ملی کشوری زیان می‌رساند، بنیان‌های زندگی اجتماعی کشوری را تخریب و زیرورو می‌کند، به هنجارها و تمامیت فرهنگی جامعه‌ای آسیب می‌رساند و برای زندگی خصوصی افراد جامعه‌ای مضر است، قویاً محکوم است.» مجله پیام یونسکو نکته‌ای را مطرح می‌کند که قابل تعمق است: «همه ما در مواجهه با تلویزیون - این جعبه اسرارآمیز - که تنها چند دهه پیش از این، ناگهان ظهور کرد، راه خود را در هر دو صفحه آن می‌یابیم: در یک سو، تکنیک‌های مداخله و نفوذ، توسعه و افزایش می‌یابند و در سوی دیگر، بینندگان به تدریج یاد می‌گیرند تا دروغ‌ها را برملا سازند، شواهد دروغ تصویر را کشف کنند و در مقابل موانع ایجاد شده توسط تلویزیون که تاکنون مطیع و منقاد آن بوده‌اند، مقاومت کنند.» (مجله مجلس و پژوهش، پیشین، ص ۹)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در نوامبر ۱۹۷۴ اشکال گوناگون تبلیغات که صلح را تهدید می‌کند، ممنوع کرد و از اعضای سازمان خواست که وسایل لازم برای مقاومت در مقابل این قبیل تبلیغات را در کشورهای خود به کار گیرند. علاوه بر آن، تبلیغات جنگی و محکومیت آن را مورد مطالعه قرار داده و در این زمینه، منع جریان اطلاعات و گفتار تحریف شده، طرح نظام بین‌المللی اخلاقیات شاغلان تبلیغاتی و دروغ نیز مورد بحث قرار گرفت. البته در زمینه اخلاق تبلیغات اقتصادی و آگهی‌های تجاری نیز مشکلاتی وجود دارد، چرا که یکی از عوامل ناهنجاری برای مصرف‌کنندگان به حساب می‌آید. علاوه بر مجمع عمومی، سازمان فرهنگی ملل متحد (یونسکو) نیز جریان آزاد اطلاعات را در نشست‌های متعدد خود مورد بحث و بررسی قرار داده و در چهارم نوامبر ۱۹۶۶ با اعلامیه "اصول همکاری بین‌المللی" (Declaration on the Principles of International Cooperation) موافقت کرد. ماده هفتم یونسکو تأکید دارد که: «انتشار وسیع نظرات و دانش بر اساس مبادله و بحث آزاد، برای فعالیت خلاق و پیروی از حقیقت و رشد شخصیت ضروری است.

در بررسی یونسکو در سال ۱۹۵۵ میلادی آمده است: «تمرکز وسایل تبلیغاتی، در کشورهای پیشرفته است و هفتاد درصد ساکنان جهان از حداقل امکانات در حصول بر اطلاعات اساسی برخوردارند و اگر نسبت جهانی بی‌سوادی را در کشورهای مختلف جهان مد نظر قرار دهیم، خواهیم دید که میان کشورهای پیشرفته و کشورهای عقب‌مانده در زمینه آزادی تبلیغات فاصله‌ای عمیق وجود دارد، نتیجه آن که مادامی که بخش وسیعی از افراد بشر از مشارکت برابر در ارتباطات بین‌المللی ناتوان باشند، آنچه که به حقوق برابر آزادی‌ها خوانده می‌شود، چیزی جز سخریه نخواهد بود.»

برنامه‌های ماهواره‌ای از جمله رسانه‌های جمعی ارتباطی به شمار می‌رود که تأثیر بسیاری بر مردم دارند. چرا که در عصر ارتباطات جمعی و نفوذ این گونه رسانه‌ها به حریم خانه‌های شخصی، هر کس از این وسایل الگو می‌گیرد؛ زیرا انسان اصولاً الگوپذیر است و برای اعمال و رفتار خویش، به دنبال الگوها می‌گردد. از این رو، به راهی می‌روند که از طریق این وسایل تجویز می‌شود. بنابراین، صاحبان و طراحان این گونه وسایل راهبران اندیشه و عمل انسان‌ها به شمار می‌آیند. (رستگار مقدم، ۱۳۷۶، صص ۷۶ - ۷۷) بدین ترتیب، دولتهای متأثر از پخش اینگونه برنامه‌ها و تبلیغات خلاف اخلاق حسنه، نظم عمومی و بسیاری از مؤلفه‌هایی که در هر جامعه‌ای رنگ و لعاب و ویژگی خود را دارد، مجاز خواهند بود که در قبال آنها صف‌آرایی کرده و به هر طریق ممکن از اصابت چنین برنامه‌هایی به روح و پیکره جامعه خود ممانعت بعمل آورند. و حتی برابر موازین و مقررات پیش گفته، چنانچه دولتی تذکر و هشدار دولت یا دولتهای متأثر از پخش برنامه‌های ناهنجار را دریافت کرد، اقدام به توقف پخش و قطع اینگونه برنامه‌ها را صادر نماید. یا قبل از ارسال برنامه‌های مزبور، با دولت یا دولتهای دریافت کننده بمنظور شناخت مصادیق ناهنجار و تبعاً تفکیک و سانسور هنجار و ناهنجار به مذاکره نشسته و اجازه پخش را از دولت یا دولتهای مزبور دریافت نماید. در این صورت، هم مطابق اصل حاکمیت و به تبع آن اصل رضایت قبلی از یک سو و هم اصل آزادی اطلاعات و استثنائات آن عمل نموده است.

۳-۲-۵- اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها

امروزه به واسطه رشد روزافزون وسایل ارتباط جمعی از قبیل اینترنت و ماهواره، معادلات گذشته در تنظیم روابط بین کشورها تا حدود زیادی به هم خورده و جای خود را به معادلات جدیدی داده است؛ به گونه‌ای که به جای به کارگیری مستقیم زور، توجه قدرت‌ها به استفاده از قدرت نرم و ایجاد تغییرات از طریق مسالمت‌آمیز با به کارگیری شیوه‌های نوین مداخله در امور داخلی کشورها جلب شده است. علاوه بر این، در این دوران رسانه‌ها به مثابه ابزاری اساسی برای اعمال سیاست‌های قدرت‌های زورمدار به کار می‌روند و رقابتی جهانی در عرصه نبرد رسانه‌ای شکل گرفته است. در این میان جنگ نرم با هدف گرفتن فکر و اندیشه ملت‌ها نقش مهمی را در سست نمودن حلقه‌های فکری و فرهنگی جوامع ایفا می‌کند. (www.aei.org/publication)

سنگ بنای این اصل در تعامل با اصل حاکمیت به اعلامیه ۱۹۶۵ بر می‌گردد. این اعلامیه مربوط به پذیرفته نبودن دخالت در موضوعات داخلی دولت‌هاست که تأکید می‌کند: «هیچ دولتی حق مداخله مستقیم یا غیرمستقیم را به هر دلیل که باشد، در امور داخلی یا خارجی دیگر دولت‌ها ندارد و در نتیجه دخالت نظامی و دیگر طرق دخالت یا تهدید علیه شخصیت دولت یا علیه عناصر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی محکوم است.» علاوه بر منشور سازمان ملل، «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل ۱۹۷۰»، دولت‌ها را از اعمال هرگونه فشار نظامی، سیاسی، اقتصادی و غیره که استقلال سیاسی دولت‌های دیگر را تهدید می‌کند، بازداشته است. همچنین در سال ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان ملل «منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها» را به تصویب رساند که طی آن، یادآوری شده که هیچ دولتی نمی‌تواند با اقدامات یا فشارهای اقتصادی و سیاسی یا هرگونه فشاری دیگر، در جهت نقض حاکمیت دول دیگر اقدام یا آنرا ترویج و تشویق کند.

با توجه به اسناد یادشده، اصل عدم مداخله از مسائل مهم حقوقی است که حقوق دانان در روابط بین‌المللی اهمیت آن را مطرح کرده‌اند، در حال حاضر نیز سازمان ملل متحد بر آن تأکید جدی دارد؛ زیرا دخالت در امور داخلی یک کشور گذشته از این که اهانت به مردم و دولت آن کشور به حساب می‌آید، اصولاً روابط بین‌المللی را نیز به هم ریخته و صلح جهانی را به خطر می‌اندازد و حتی منافی با حقوق اساسی کشورهاست که از جانب همه نهادهای بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است؛ یعنی ناقض حق حاکمیت دولت‌ها می‌باشد؛ زیرا این اصل منافی حق استقلال کشورهاست، از این که بتوانند به صورت آزاد و بدون تحمیل برنامه‌ای درست یا نادرست از جانب بیگانگان، سرنوشت خود را به دست بگیرند و با همفکری و همکاری اعضای جامعه وضعیت مطلوب را برای خود فراهم کنند و در صحنه بین‌المللی، رقابت آزاد و سازنده‌ای با دیگران داشته باشند. بنابراین، اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها عبارت است از: «شناسایی حقوق یک ملت در انتخاب نظام سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی ویژه‌ای که برای تحقق ارزش‌ها و منافع خود انتخاب کرده‌اند، به شرط مغایرت نداشتن اعمال و اختیارات حقوقی خود با حقوق دیگر ملت‌ها و جوامع و زیان‌آور نبودن برای آن ملت‌ها.» علاوه بر آن، این اصل بر پرهیز از جنگ مبتنی بوده و حتی در اسناد تصویبی جامعه ملل و در نهایت، در منشور ملل متحد نیز مندرج و تاکنون بسیاری از مجامع بین‌المللی نیز بر آن تأکید نموده‌اند. در این راستا، در گردهمایی‌های صلحی که در اروپا تشکیل گردیده، بیش از هرچیز بر ضرورت عدم مداخله تأکید شده است.

اما با توجه به اقدامات مستبدانه برخی دولت‌ها در کشور خود، حقوقدانان به این نتیجه رسیده‌اند که عدم دخالت در امور داخلی کشورها - به صورت مطلق - به صلاح ملت‌ها و نیز قدرت‌ها نخواهد بود. به همین دلیل مسأله موازنه قدرت‌ها مطرح گردید؛ به این معنا که هرگاه یکی از قدرت‌های موجود از امکانات بیش‌تری برخوردار شود، به گونه‌ای که خطری برای دولت‌ها به حساب آید، همگان باید در مهار و تضعیف آن کشور، هر چند از طریق دخالت در امور داخلی آن باشد، همکاری کنند. گرچه این فکر از لحاظ حقوقی پایدار نماند، اما موجب در نظر گرفتن استثناهایی برای اصل عدم مداخله شد. (کاسسه، {کلانتریان}، ۱۳۷۰، صص ۱۸۰ - ۱۸۶) اما آنچه بدون تردید، رعایتش ضروری است و خدشه در آن نقض حاکمیت محسوب می‌شود، اقدام علیه امنیت و منافع ملی یک جامعه است.

با گسترش صنعت ارتباطات و آسان شدن ارسال و کسب اخبار و اطلاعات، تبلیغات دارای اهمیتی صدچندان شد، بنحوی که در بین دو جنگ جهانی و بخصوص پس از شروع جنگ سرد، یکی از عناصر مهم و تأثیرگذار، تبلیغ علیه طرف مقابل بود که عموماً نیز از سوی دولت‌های متخاصم بکار گرفته می‌شد. لذا بعزت اینکه دولت‌ها از ابزار تبلیغات در جهت ایجاد درگیری و تحریک نیروهای داخلی و برهم زدن نظم و آرامش دیگر دولت‌ها استفاده می‌کردند، این عمل به صراحت از سوی مجامع بین‌المللی و مقررات موجود در آن، تحریم و ممنوعیت آن بارها اعلام شده است. از جمله قطعنامه‌ها و اسنادی که مداخله در امور داخلی کشورها را به شیوه مذکور ممنوع و بارها تحریم آن را تأکید کرده‌اند، می‌توان از قطعنامه سازمان ملل به شماره ۱۱۰ مصوب ۱۹۷۴ نام برد که اصولاً در این راستا تنظیم و به تصویب رسید. یا ماده (۲۰) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی ۱۹۶۶ هرگونه تبلیغات در جهت جنگ یا تحریک نژادها را ممنوع کرده است. همچنین یکی از محورهای قطعنامه ۳۷/۹۲ سال ۱۹۸۲ تحت عنوان "اصول حاکم بر استفاده دولت‌ها از ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیونی" به موضوع عدم مداخله و اصل حاکمیت اشاره می‌کند؛ بدین مضمون که: «هرگونه پخش برنامه‌های ماهواره‌ای از فضا مطابق اصل حاکمیت و عدم مداخله باشد.» علاوه بر آن، کنوانسیون ۱۹۳۶ «استفاده از امواج رادیویی در جهت منافع صلح آمیز» مقرر می‌دارد: «اعضای پیمان متعهد می‌شوند که از پخش برنامه‌های مخل بر حسن تفاهم بین‌المللی خودداری کرده و در صورت لزوم، بسرعت از پخش آن جلوگیری بعمل آورند.» ماده (۲) این کنوانسیون نیز، ممنوعیت تبلیغات در جهت تحریک به جنگ یا اختلال در نظم عمومی دیگر کشورها را اعلام داشته است. ماده (۱) آن نیز اشعار می‌دارد: «دولت‌های متعاقد توافق کردند، در مواردی که پخش امواج در مناطق مورد نظرشان برای

حسن تفاهم بین‌المللی مضر و زیان‌آور شناخته شود، بطوری که مردم منطقه‌ای را به انجام اقداماتی برخلاف نظم و امنیت بین داخلی آن منطقه تحریک کند، از پخش آن امواج جلوگیری یا اینکه بطور کلی پخش برنامه‌های مذکور را متوقف کنند.» لذا، آنچه که از زبان اسناد و مقررات بین‌المللی استنباط می‌شود، مداخله در امور داخلی کشورها به هر نحو و با هر وسیله و شیوه‌ای (مداخله نرم و سخت) ممنوع بوده و بارها مورد نکوهش و تحریم قرار گرفته است.

۴- مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات غیرمادی پخش برنامه‌های ماهواره‌ای

۴-۱- قلمرو و مبانی مسئولیت

مبنای مسئولیت را در قبال هر فعل یا ترک فعل متخلفانه دولت یا سازمان‌های موجوده از سوی دولتهای مؤسس و عضو آن، نخستین ماده طرح مسئولیت بین‌المللی دولتها از فصل اول که به کوشش کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱ تدوین و تنظیم شد، تبیین می‌نماید. در طرح مزبور تحت عنوان اصول کلی اشعار می‌دارد که: «هر فعل متخلفانه بین‌المللی دولت موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت است.» اگرچه این مفهوم از دیرباز وجود داشته و ماهیت عرفی پیدا کرده است، لکن در این مقاله به معاهدات قراردادی و اسناد مربوطه استناد می‌شود. برای مثال، پنج معاهده عام فضای ماورای جو بیانگر این واقعیت هستند که فعالیت‌های فضایی اغلب با همکاری دیگر دولتها یا در چارچوب یک سازمان بین‌المللی انجام و اجرا می‌شوند. بویژه، کنوانسیون مسئولیت مقرر می‌دارد: «چنانچه یک سازمان بین‌المللی مسئول خسارتی است، دولتهای عضو آن کنوانسیون که عضو سازمان هم هستند، بطور مشترک و متضامناً با سازمان بواسطه خسارت موجوده مسئول بوده و اگر سازمان خسارت و غرامت را پرداخت ننماید همانگونه که توافق و تعیین شده است، دولتهای عضو مسئول پرداخت هستند.» طرح مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی که هم اکنون تحت بررسی و تدوین بوده، نیز مبنای مسئولیت در ماده یک طرح مسئولیت دولتها عیناً مندرج و فقط واژه سازمانها جایگزین دولتها شده است. آنچه که لازم است روشن شود اینست که، سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با فعالیت‌های فضایی و پخش ماهواره‌ای فقط نقش خدمات فنی و علمی داشته و به هیچ عنوان نمی‌توانند رأساً و بدون مجوز دولت یا دولتهای عضو و مؤسسان آن، مرجع تشخیص و احراز ورود یا عدم ورود خسارات مادی و یا غیرمادی اعم از؛ جریحه‌دار کردن اخلاق و عفت عمومی کشورهای دریافت‌کننده برنامه‌های ماهواره‌ای، تهدید علیه نظم و امنیت

عمومی و همچنین ایجاد تنفر سیاسی و موارد بی‌شمار دیگر از طریق پخش برنامه‌های ماهواره‌ای به کشورهای دیگر بوده و اقدام به قطع یا سانسور برنامه‌های ماهواره‌ای نمایند. در مفهوم مخالف، فقط دولتهای یادشده می‌توانند در چارچوب مقررات و موازین بین‌المللی و در صورت اثبات انتساب رفتار یا فعل متخلفانه و مضر وسیله دولت فرستنده، اقدام متقابل و یا شبکه‌های ارسال اینگونه برنامه‌ها را قطع نمایند.

برای توضیح بیشتر، به موجب مقررات اتحادیه بین‌المللی ارتباطات از راه دور در مورد پخش مستقیم ماهواره‌ای و اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل، مقابله با برنامه‌های ارسالی از ماهواره‌های پخش مستقیم به لحاظ اصل حاکمیت دولت‌ها به منزله تخلفی بین‌المللی نیست. اما برای مثال، در مورد قطع برنامه‌های شبکه العالم از سوی ماهواره‌های عرب ست و نایل ست، که به عنوان یک سازمان تخصصی ارایه خدمات پخش، فعالیت‌شان تجارتي و ارایه خدمات است، حق ندارند بگویند که این یا آن برنامه مخالف قانون رسانه‌ها است، لکن دولت مصر و عربستان می‌توانند لزوم درخواست توقف ارسال آن دسته از برنامه‌های ماهواره‌ای که روابط دوستانه ملت‌ها را به مخاطره می‌افکنند را خواستار شوند.

به هر ترتیب، متأسفانه اقداماتی از این قبیل در قبال شبکه‌های جمهوری اسلامی ایران بارها اتفاق افتاده و وقت آن است که جمهوری اسلامی ایران ضمن تلاش بیشتر بمنظور دستیابی به فن‌آوریهای مجهول مرتبط با پخش ماهواره‌ای و استقرار ماهواره‌های اختصاصی در مدار زمین، به نحو مقتضی از طریق این ابزار و فن‌آوری نوین اطلاع‌رسانی نموده و با حضور و فعالیت مستمر در نشست‌ها، کمیسیون‌ها و بطور کلی صحنه رقابت مرتبط با فعالیت‌های فضایی، نقش خود را پررنگ‌تر جلوه دهد و علاوه بر آن در صورت نیاز گزینه اقدام متقابل را نیز بر روی میز خود داشته باشد.

۴-۲-۱-۴ - عدم مشروعیت برنامه‌های غیر مجاز **۴-۲-۲-۴ - ارکان مسؤولیت بین‌المللی دولت به لحاظ پخش مستقیم ماهواره‌ای**

یکی از مهمترین مسائل مربوط به پخش برنامه‌های فرامرزی، قانونی یا غیرقانونی بودن پخش این گونه برنامه‌هاست. در این خصوص، اگرچه نظریات متعددی ارائه شده است، ولی هر کشوری با توجه به سیاست ملی خود، سعی در ارائه و تقویت نظریه‌ای می‌کند که منافعهش را بیشتر تضمین نماید. در این زمینه بیشتر دولتها مفهوم آزادی اطلاعات و عقاید را در قوانین اساسی و دیگر قوانین موضوعه خود به نحوی منعکس کرده‌اند؛ اما آنچه باعث اختلاف نظر بین دولتها شده، حدود و کیفیت آزادی اطلاعات است. دلیل این

امر این است که مصالح و منافع ملی هر کشوری با کشور دیگر در مورد تعیین حدود و کیفیت «آزادی اطلاعات» متفاوت است. از آنجا که معیارهای مربوط به قانونی و غیرقانونی بودن محتوای برنامه‌ها از کشوری به کشور دیگر فرق دارد، امکان ارائه تعریف واحدی از قانونی یا غیرقانونی بودن محتوای یک برنامه که مقبول همه کشورها باشد، وجود ندارد؛ زیرا ممکن است محتوای برنامه‌ای تلویزیونی در یک کشور، از نظر اخلاق حسنه یا مبانی نظم عمومی حاکم بر آن کشور قبیح و مضر و در نتیجه غیرقانونی شناخته شود، ولی در عین حال، همان برنامه در کشور یا کشورهای دیگر امری کاملاً معمولی و قانونی شناخته شود. (ر.ک. علایی، ۱۳۸۶، <http://www.hamshahrtraining.ir/news-3248.aspx>) اما با توجه به اینکه معمولاً مرجع احراز مشروعیت و عدم آن خود دولت گیرنده برنامه‌های مذکور است، چرا که هیچ دولتی بهتر از دولت دریافت کننده نمی‌تواند و نمی‌داند که چه برنامه‌هایی برای مردم کشورش و همین‌طور با اخلاقیات و مؤلفه‌های پیش تعریف شده مغایرت و ناسازگاری دارد. بنابراین، با استعانت از مفاد اصول پیش گفته منصرف از ارائه چارچوبی ناستوار، در صورتی که برچسب غیرمجاز با هر مصداقی، از سوی دولت یا دولت‌های دریافت کننده قابلیت توسل به اقدامات قانونی از جمله؛ اقدامات متقابل را دارد.

۴-۲-۲- انتساب عمل پخش برنامه‌های فرامرزی به دولت

در این خصوص باید گفت که، چون دولت دارای شخصیت حقیقی نیست، اعمال منتسب به نمایندگان یا شخصیت‌های دولتی و ارگانهای منتسب به حساب اعمال آن دولت گذاشته می‌شود. در این فرض پخش برنامه‌های ماهواره‌ای چه از سوی بخش دولتی و یا بخش خصوصی که طبق قواعد و مقررات موجود در حقوق بین‌الملل ارتباطات از راه دور تحت کنترل دولت آن کشور است، با استناد به قاعده «کنترل»، عمل پخش برنامه‌های مذکور قابل انتساب به دولت آن کشور است. از نظر مقررات حقوق بین‌الملل بویژه، به موجب مقررات اتحادیه بین‌المللی ارتباطات از راه دور، هر ایستگاه پخش، اعم از دولتی یا خصوصی که در قلمرو یک دولت مبادرت به پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی برای عموم می‌کند، باید اجازه دولت متبوع خود را برای این کار تحصیل کرده باشد و فقط روی طول موجی که اتحادیه بین‌المللی مخابرات برای آن دولت اختصاص داده است، فعالیت کند. مفاد مقرر شده، مهر تأییدی بر اصل رضایت قبلی می‌باشد. لذا چنانچه در اثر پخش اینگونه برنامه‌ها که از قلمرو یک کشور از سوی بخش دولتی یا خصوصی آن کشور ارسال

می‌شود، ضرر و زیانی متوجه کشورهای دیگر گردد، جبران ضرر و زیان وارده بر عهده دولت پخش‌کننده برنامه‌هاست. همانطور که دیوان داوری در قضیه شرکت تجاری سالوادور اظهار داشت که: «دولتها مسئول اعمال بخش‌های مختلف تقنینی، اجرایی یا قضائی در روابط بین‌الملل می‌باشند.» این وضعیت از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در بسیاری از آراء خود از جمله در قضیه اختلاف راجع به مصونیت گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر تأکید شده است. آنجا که اشعار می‌دارد: «بر اساس قاعده مقبول حقوق بین‌الملل، رفتار هر ارگان دولت یا وابسته و تحت نظارت دولت باید رفتار آن دولت تلقی شود.» ضمن اینکه، این قاعده ماهیت عرفی نیز دارد.

۴-۲-۳- اثبات ضرر و زیان ناشی از پخش برنامه‌های مضر

در مورد اثبات مسئولیت بین‌المللی یک دولت قاعده این است که صرفاً نقض یکی از الزامات و تعهدات بین‌المللی از سوی یک دولت، برای اثبات مسئولیت وی کافی است. زیرا فرض بر این است که نقض در تعهد و الزام بین‌المللی منجر به ایراد خسارات مادی یا معنوی نیز می‌شود. اگرچه ممکن است در تمامی موارد ایراد خسارت به یک دولت، نتیجه ارتکاب عمل غیر قانونی دولتی دیگر نباشد. بسیاری از دولتها مضار و خسارات ناشی از پخش برنامه‌های ماهواره‌ای را نسبت به تقابل و تغایر اینگونه برنامه‌ها با مفاهیمی چون امنیت، نظم عمومی، اخلاق حسنه و ... می‌دانند، (ر.ک.، زمانی، ۱۳۷۸) براین اساس و با توجه به ماهیت نسبی این مفاهیم و نیز غیرمتمرکز بودن نظام بین‌المللی؛ دولت محل دریافت برنامه‌ها از صلاحیت شخصی در تعیین مصادیق برنامه‌های غیرقانونی و واکنش نسبت به آنها برخوردار است، گرچه این اقدام بتواند در مرحله بعد و در صورت لزوم مورد قضاوت و داوری طرف ثالث قرار گیرد.

بدیهی است در این مرحله که دولتی به حق اتخاذ اقدامات متقابل علیه دولت دیگر متوسل شده است بایست تخلف ارتكابی دولت اخیر را اثبات نماید، اما با توجه به چالش‌های حقوقی ارسال امواج تلویزیونی توسط ماهواره‌های پخش مستقیم و ابهامات و تعارضات موجود در این زمینه بار اثبات بسی سنگین و دشوار است. به تعبیر دیگر، تطبیق موازین اقدامات متقابل با عمل اصلی پخش مستقیم ماهواره‌ای از حیث ابهامی که در وصف حقوقی عمل اخیر وجود دارد، دشوار می‌نماید و بر این اساس چنانچه مقابله با برنامه‌های ارسالی از ماهواره‌های پخش مستقیم به صور گوناگون به لحاظ اصل حاکمیت دولتها به منزله تخلفی بین‌المللی نباشد، در این حالت همانطور که قبلاً خاطر نشان شد، اطلاق عنوان اقدام متقابل به اعمال فوق خالی از اشکال نخواهد بود.

اما اگر اقدام متقابل در برابر برنامه‌های ماهواره‌ای پخش مستقیم تلویزیونی ناقض اصل جریان آزاد اطلاعات و حق دریافت اطلاعات به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر باشد، در این حالت دولت متأثر از برنامه‌های ماهواره‌ای می‌تواند با ایجاد اختلال در برنامه‌های ارسالی یا توسل به سایر اقدامات متقابل از مصالح ملی و اخلاق حسنه و نظم عمومی خود حفاظت کند و دولت ارسال‌کننده برنامه‌ها را وادار به توقف ارسال برنامه‌ها و جبران خسارت وارده نماید. منتها این امر مشروط بر اینست که اولاً وی اثبات نماید که دولت فرستنده برنامه‌های ماهواره‌ای با این اقدام تعهدات بین‌المللی خویش را از حیث نفس عمل پخش یا محتوای برنامه‌های ارسالی نادیده گرفته است. ثانیاً اقدام متقابل وی نباید در زمره اقدامات ممنوعه باشد. (Evensen, 1965, p. 569) و ثالثاً: از رفتار متناقض جداً احتراز ورزد.

با وجود این به لحاظ ابهامات موجود در رژیم حقوقی پخش مستقیم ماهواره‌ای از حیث محتوای برنامه‌ها، واکنش ناهمگون دولت ذریبط در قبال برنامه‌های ماهواره‌ای که محتوای نسبتاً یکسانی دارند، می‌تواند در ارزیابی صحت و سقم ادعای وی تأثیرگذار باشد. به هر صورت، رجوع به مبنا و اساس بدین مضمون که؛ هر کسی که (شخص حقیقی یا حقوقی) مدعی ورود ضرر و خسارت به خود است، می‌بایست آنرا اثبات نماید، قابل تأمل است.

۴-۳- مفهوم خسارت غیر مادی ناشی از پخش و جبران آن

به نظر می‌رسد ضرر و زیان‌های ناشی از پخش برنامه‌های ماهواره‌ای بیشتر معنوی هستند تا مادی، و بدیهی است جبران هریک از آن دو متفاوت است. بطور کلی آثار زیانبار و مضر پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای عبارتند از:

۱- زیان به منافع سیاسی: تحمیل ضرر و زیان به منافع سیاسی کشورهای گیرنده برنامه‌های فرامرزی رادیویی و تلویزیونی که به طور عمده از طریق تبلیغات مستقیم یا غیرمستقیم صورت می‌گیرد. سازمان ملل متحد قطعنامه شماره ۱۱۰ خود را در ۱۹۴۷ با نام اقدامات علیه تبلیغات و محرک‌های جنگ به تصویب رساند. در قطعنامه مذکور، تمامی اشکال تبلیغات، در هر کشوری که صورت گیرد، اگر به هر نحوی صلح بین‌المللی را تهدید کند یا آن را مورد مخاطره قرار دهد یا تحریک به جنگ و تجاوز کند، قویاً محکوم شد. اگرچه تعریف مشترکی از تبلیغات وجود ندارد، اما بعضی حقوقدانان معیارهای کلی راجع به تبلیغات مضر و غیرقانونی را بدون توجه به کشور خاصی ارائه کرده‌اند:

- پخش و انتشار آن دسته از اطلاعات، برنامه‌ها و تبلیغاتی که به منافع سیاسی و ملی کشوری زیان می‌رساند.
- پخش و انتشار آن دسته از اطلاعات، برنامه‌ها و تبلیغاتی که بنیان‌های زندگی اجتماعی کشوری را تخریب و زیر و رو می‌کند.
- پخش و انتشار آن دسته از اطلاعات، برنامه‌ها و تبلیغاتی که به هنجارها و تمامیت فرهنگی جامعه ای آسیب می‌رساند.
- پخش و انتشار آن دسته از اطلاعات، برنامه‌ها و تبلیغاتی که برای زندگی خصوصی افراد جامعه ای مضر است.

۲- لطمه به منافع اقتصادی و تجاری: یکی از مواردی که دولت‌ها بر پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی فرامرزی دیگر دولت‌ها در کشورشان محدودیت خاصی را وضع یا به طور کلی از پخش اینگونه برنامه‌ها جلوگیری می‌کنند، پخش برنامه‌ها و آگهی‌های تبلیغاتی خارجی است؛ به این دلیل که تبلیغات کالاهای خارجی به بازار فروش و تولید کالاهای داخلی صدمه و آسیب می‌رساند. در تبلیغات به مفهوم تجاری، خسارت مادی مستقیم و غیرمستقیمی که به صنایع داخلی وارد می‌شود، ناشی از تبلیغات و پخش آگهی‌های تجاری خارجی است. حساسیت‌ها و برداشت‌های مناطق مختلف و کشورهای جهان نسبت به این امر از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.

۳- زیان به منافع و ارزش‌های فرهنگی: یکی از مسائل مهم مطرحه در خصوص زیان‌های ناشی از پخش برنامه‌های ماهواره‌ای، موضوع ورود آسیب و زیان به منافع و ارزش‌های فرهنگی کشور است که امروزه از آن به امپریالیسم فرهنگی و تهاجم فرهنگی یاد می‌شود. در تهاجم فرهنگی ناشی از امپریالیسم جهانی مجموعه ارزشهای فکری و اخلاقی جامعه است که به عنوان قربانی واقعی بین‌المللی شدن وسایل ارتباط جمعی در خطر نابودی می‌گیرد.

یکی از دلایلی که دولت‌ها را در خصوص تهاجم و تعدیات فرهنگی نگران کرده، ارتباط ظریف و دقیق میان فرهنگ و سیاست است و همین ارتباط است که دولت‌ها از منافع آن استفاده می‌کنند، زیرا پخش برنامه‌های تبلیغاتی رادیویی و تلویزیونی، برای مقاصد فرهنگی، راه میانبری برای رسیدن به اهداف تبلیغات سیاسی است. حتی اگر بخواهیم ابعاد منفی را نادیده بگیریم و جنبه‌های مثبت موضوع مورد بحث را که ممکن است مفید و سازنده هم باشند در نظر آوریم، باز هم این واقعیت وجود دارد که کشورهای دریافت‌کننده

امواج، هیچ گونه نقش و دخالتی در انتخاب برنامه نخواهد داشت و این امر بر خلاف اصل حاکمیت دولتها در عرصه حقوق بین‌الملل است. (ر.ک.، گرانمایه پور، ۱۳۸۵) لذا با توجه به آثار فوق الذکر، منصرف از ابعاد مثبت برنامه‌های ماهواره‌ای، رویکرد ماهواره غالباً منفی بوده و بدین ترتیب لازم می‌دانم به رویکرد مزبور نیز اشاره‌ای داشته باشم:

ماهواره می‌تواند زنده و مستقیم، تأثیر همه کوشش‌های باورسازی و تبلیغ یک حکومت را باطل کند. در جهان سوم، بسیاری از حکومت‌ها رسانه‌های فرامرزی را تهدیدی برای روند مردم‌گرایی در درون خود می‌دانند. خبررسانی و تبلیغ از سوی رسانه‌های غربی که بی‌رحمانه و بی‌صبرانه رویدادها و تحول‌ها را با نگاه غربی ارزیابی می‌کنند، این روند را برهم می‌زند. (قاضی زاده، پیشین، ۱۳۸۲) اما ماهواره اپوزیسیون چیز دیگری است؛ سریع و مطمئن است، به زبان سرزمینی برنامه پخش می‌کند، صوت و تصویر و رنگ و حرکت دارد و بسیار خودمانی و پذیرفتنی است. در زمینه اقتصادی و تجارت نیز می‌تواند با تبلیغ کالاهای خارجی، گرایش به استفاده از این کالاها و در پایان ورشکستگی اقتصاد و تولید داخلی را موجب شد، در زمینه نظامی یا سیاسی می‌تواند در زمان جنگ یا بروز اختلاف‌ها با انجام تبلیغات سیاسی و روانی، هدف‌های نظامی و سیاسی را دنبال کرد. ممکن است از ماهواره در مسیر اهداف تروریستی نیز بهره‌برداری شده باشد و برای مثال پیام‌های ناشناخته یا آموزش‌های غیرمستقیم از طریق صدا و تصویر به هر جای دنیا ارسال شود. پشتیبانی تبلیغاتی و روانی از تروریست‌ها، تشویق آنان به ادامه فعالیت‌های ضد بشری، پنهان کردن ابعاد جنایت‌های آنان و بدتر از همه توجه آن، نمونه‌های دیگری از کارکرد ماهواره‌ها بر ضد امنیت و صلح جهانی است. (ر.ک.، اسماعیلی، ۱۳۸۱) فن‌آوری قدرتمند ماهواره‌ها امکان دور زدن مقررات و ضوابط تعیین شده ملی در داخل کشورها را فراهم می‌کند و زمینه ارسال پیام به داخل کشورها را هموار می‌سازد که در مقابل پیام‌های ارسالی خارجی به داخل محدوده سرزمینی خویش مقاومت می‌کند.

۴-۴ - تهدید علیه صلح و امنیت از طریق پخش برنامه‌های ماهواره‌ای **۴-۴-۱ - تهدید علیه امنیت ملی، فرهنگی، اقتصادی** **۴-۴-۱-۱ - امنیت فرهنگی**

آنچه که در این مقوله در تعامل با موضوع پخش ماهواره‌ای بعنوان یکی از مؤلفه‌ها و ابزار ورودی فرهنگ و آداب دیگر کشورها به دول دریافت‌کننده برنامه‌های ماهواره‌ای قابل تأمل است، بحث جهانی شدن و تسری آن در حوزه‌هایی همچون رسانه‌ها و از آن

طریق، فرهنگ کشورهای دیگر می باشد. لذا ضمن طرح برخی از دیدگاه‌های متفاوت در این زمینه، جهانی شدن و تأثیر و تأثر آن بر مؤلفه‌های فرهنگی به اجمال مورد بحث قرار می‌گیرد. از جمله دیدگاه‌های مطروحه؛ دیدگاه مارکسیستی است که از سوی «ادوارد سعید» تبیین شده است؛ مارکسیست‌ها بر این عقیده‌اند که گسترش رسانه‌ها و جهانی شدن آن، باعث سلطه هر چه بیشتر سرمایه‌داری خواهد شد. نابرابری اطلاعات در جهان کنونی عملاً امکان دسترسی به فرهنگ‌های غیرمسلط جهان سوم را ناممکن کرده است. جریان اطلاعات در نظام جهانی شده یک سویه بوده و در آن کشورهای پیرامونی مصرف‌کننده‌اند. به عقیده او ما شاهد یک نوع امپریالیسم فرهنگی هستیم که درصدد تسلط و احاطه بر فرهنگ کشورهای عقب‌مانده و ضعیف از طریق گسترش رسانه‌های جمعی می‌باشد. در مقابل دیدگاه لیبرال نظر خوشبینانه‌ای نسبت به جهانی شدن رسانه‌ها دارد. لیبرال‌ها معتقدند گسترش رسانه‌های جمعی نه تنها کنترل بر زندگی انسانها را بیشتر نخواهد کرد؛ بلکه زمینه قدرت‌یابی افراد در برابر سازمانها را افزایش می‌دهد. (ریلانی، {سعید بهنام}، ۱۳۸۳)

بنابراین تهدیدهای امنیتی ناشی از جهانی شدن و تغییر نحوه زندگی از جمله چالش‌های امنیتی ناشی از محیط جهانی شده است، در نتیجه این امر حفظ راه و روش زندگی خاص ملی یا نظام حکومتی متمایز به طور فزاینده‌ای مشکل‌تر می‌شود، زیرا یکسان‌سازی ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و سلیقه‌ها در سطح جهانی در حال افزایش است. این امر سبب استاندارد شدن ارزش‌ها و رفتارهای فرهنگی در قالب فرهنگ یا فرهنگ‌های مسلطی می‌شود که نه تنها می‌توانند با هویت فرهنگی ملی هم‌سو نبوده و آن را تقویت نکنند، بلکه فرهنگ‌های مسلط جهانی ممکن است در جایگاه فرهنگ مهاجم قرار گرفته و از طریق تغییر چارچوب‌های ارزشی و یا الگوهای رفتار فرهنگی به تخریب و تضعیف هویت ملی فرهنگی بپردازند. بطور کلی، ابزارهای اطلاع‌رسانی از جمله اینترنت، تلویزیون، ماهواره و ... در حوزه امنیت فرهنگی جوامع با بهره‌گیری از روش‌های اقناع بر فرآیند تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری ملتها و در نهایت سلب هویت‌های فرهنگی آنان تأثیری بسزا دارند. به تعبیری، تهدیدهای ناشی از این ابزارها در حوزه امنیت تهدید نرم را به ذهن متبادر کرده و در این رویکرد شامل امنیت ارزش‌ها و هویت‌های اجتماعی می‌شود. و متأسفانه به دلیل ماهیت غیرعینی و محسوس آن، اغلب فاقد عکس‌العمل بمعنای واقعی خود می‌باشد.

۴-۴-۱-۲- امنیت اقتصادی

واژه امنیت اقتصادی را می‌توان بیانگر شرایطی دانست که در آن، افراد بتوانند بطور آزادانه و بدون احساس ترس و ناآرامی در راستای منافع قانونی شخصی و گروهی خود به فعالیتهای عادی و مشروع اقتصادی بپردازند. از ویژگیهای مهم شرایط امنیت اقتصادی، ابعاد گوناگون و ارتباط آن با ملاحظات سیاسی، قانونی، قضائی، انتظامی و غیره ذکر شده که در واقع، احراز امنیت اقتصادی با توسعه روزافزون ارتباطات جهانی در حال افزایش است. فقدان امنیت اقتصادی در درون یک کشور میتواند به انزوای اقتصادی در حیطه بین المللی، چه در محدوده تجارت و چه در قلمرو امور مالی منجر شود. در چنین شرایطی، تداوم فرآیند رشد و توسعه اقتصادی بیش از پیش به مخاطره خواهد افتاد. وجود تقاضای موثر برای اکتیو کالاهای لوکس بویژه در عصر حاضر که ارتباطات ماهواره‌ای در هر لحظه از ساخت کالایی نو خیر میدهند، و در مقابل نبود راههای قانونی برای واردات کالاهای مورد تقاضا، به تشکیل شبکه‌های قاچاق کالا دامن می‌زند. این پدیده که تغییرات الگوی مصرف تحت تأثیر تبلیغات شبکه‌های ماهواره‌ای قرار می‌گیرد، غیرقابل انکار است. همانگونه که خاطر نشان شد، آشکارترین وجهه تبلیغات تجاری، جنبه‌های اقتصادی آن است. در نخستین و طبیعی‌ترین نگاه، این تولیدکنندگان هستند که برای معرفی کالا یا خدمات خود و جلب نظر مشتریان اقدام به تبلیغ می‌کنند. تشویق مردم به مصرف، رونق بازار دادوستد را در پی داشته و بالتبع، اشتغال آفرین است و در پی آن اشتغال نیز زمینه ساز رفاه و مصرف بیشتر. این حلقه‌ها همچنان تکرار می‌شوند و رشد و توسعه اقتصادی را برای کشور به ارمغان می‌آورند. البته، مشروط بر این که آگهی‌ها بر تولیدات داخلی متمرکز شده و بنیه اقتصادی کشور را تقویت کند. در غیر این صورت نتیجه برعکس خواهد شد و افزایش تبلیغات، وابستگی اقتصادی و عقب‌ماندگی را موجب خواهد شد. (ر.ک، اسماعیلی ۱۳۸۶) مخصوصاً در شرایطی که با راه‌اندازی تلویزیون‌های ماهواره‌ای، تبلیغات سرتاسر دنیا را فراگرفته، نقش تبلیغات، از لحاظ اقتصادی نیز بیشتر شده است. لذا بدون تردید، جهانی سازی حوزه اقتصاد بین‌المللی را نیز متأثر کرده است. برای کشورهای در حال توسعه، افزایش صادرات نقش حیاتی در توسعه اقتصادی دارد و برای افزایش صادرات، بازنگری در نظام تبلیغات تجاری ضرورت دارد. شناخت بازارهای جهانی و کالاهای رقیب و بکارگیری شیوه‌های نو در تولید، عرضه و توزیع کالا از جمله این نیازها است؛ اما هیچیک از اینها بدون بهره‌گیری از تبلیغات نافذ و بومی شده، الزاماً به افزایش صادرات نخواهد انجامید. لذا کشور یا کشورهایی که می‌خواهند رفتار مردم کشورهای

دیگر را به وسیله تبلیغات در جهت منافع خود و به رغم نگرش‌ها و سیاست‌های دولت خودی هدایت کنند، به وسایل گوناگونی همچون رادیو، تلویزیون، نوارهای ویدیویی و یا برنامه‌های ماهواره‌ای با بهره‌گیری از بروزترین شیوه‌های روان‌شناختی متوسل می‌شوند. این شیوه‌ها و شگردهای تبلیغاتی روز به روز علمی‌تر و زیرکانه‌تر می‌شوند. و لازم نیست تبلیغات همواره متوجه شوراندن همه یا بخشی از مردم یک کشور باشد، گاهی هدف تبلیغات این است که مردم یک کشور و یا گروه‌هایی از آنان را تحت تأثیر قرار دهد تا آنها نیز با فشار بر دولت، بر تصمیمات مقامات دولتی اثر گذارند. بدین ترتیب، امواج سیل‌آسای تبلیغات بازرگانی با روشهای بسیار ماهرانه و به نوعی جذاب و فریبنده و علاوه بر آن استفاده از مترسک‌های خوش پوش و خوش منظر بمنظور جذب بیننده و ترغیب و تطمیع و بازاریابی کالاها، به نظر مستقیماً بر حوزه اقتصاد و غیرمستقیم به حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی و... نیز تأثیر داشته و این جریان، هدفی است که اغلب شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای با واسطه و یا بلاواسطه تعقیب می‌کنند.

۴-۴-۱-۳ - امنیت سیاسی - اجتماعی

وجه دیگر امنیت که بارزتر بوده و بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، نظم اجتماعی و سیاسی است. لذا هیچ مکتب و یا نظام حقوقی نمی‌تواند خود را نسبت به موضوع امنیت بی‌تفاوت قلمداد نماید. به دلیل اینکه امنیت، گذشته از اینکه فی‌نفسه یکی از ضروری‌ترین نیازهای بشر است بلکه عامل مهمی برای رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی است. «اخلال در حقوق عمومی» تعبیر رایج برای جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی است که در ادبیات امروز بکار می‌رود. یکی از مهم‌ترین ابعاد ملی امنیت انسانی در جوامع، احترام به حقوق اساسی انسان‌هاست. از سال ۱۹۸۰ طی یک دوره ده ساله انتقال دموکراتیک، بسیاری از رهبران نظامی دیکتاتور، قدرت را به جامعه مدنی واگذار کردند و دولت‌های تک‌حزبی به سمت انتخابات چندحزبی سوق داده شدند.

هنوز راه زیادی تا دستیابی به امنیت مردم در مقابل سرکوب دولت‌ها وجود دارد. بر اساس تحقیقات سازمان عفو بین‌الملل، سرکوب سیاسی، شکنجه سازمان یافته، بدرفتاری و یا نابود شدن افراد در ۱۱۰ کشور رواج دارد. همچنین آشوب‌ها در ۱۱۲ کشور به زیر پاگذاشتن حقوق بشر و در ۱۰۵ کشور به حبس و بازداشت منجر گردیده است. طی سرکوب‌های فردی و گروهی حکومت‌ها معمولاً تلاش کرده‌اند که اطلاعات و عقاید مردم را سخت کنترل کنند. برای مثال، شاخص‌های سازمان یونسکو درباره سرکوب آزادی نشان می‌دهد که شمال آفریقا، آسیای غربی و آسیای جنوبی از حداقل آزادی برخوردارند.

از نگاه دیگر، اینطور استدلال کرده اند که هرگونه عمل یا حوادثی که امنیت اقتصادی، اجتماعی، داخلی یا نظام سیاسی - عقیدتی و ساکنان یک کشور را تهدید کند، به نوعی تهدید علیه امنیت ملی است. لذا در این تعریف، مسائل فرهنگی و عقیدتی و یا اقتصادی و یا نوع نظام سیاسی جزو مسائل امنیتی بوده و چه بسا رصد و بردید کردن مردم کشوری از طریق برنامه های ماهواره‌ای بمنظور تغییر رفتارهای سیاسی، اجتماعی و ... مصداق تهدید علیه نظم و امنیت ملی بوده و طبعاً دولت متأثر از اینگونه برنامه‌ها به استناد موازین و مقررات بین‌المللی محق به اقدام متقابل با رعایت شرایط شکلی و ماهوی آن می‌باشد.

۴-۴-۲- تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی

بر اساس ماده ۳۹ منشور سازمان ملل متحد می‌توان گفت که توسل شورای امنیت به زور منوط به تحقق یکی از موارد سه گانه «تهدید بر صلح، نقض صلح و عمل تجاوز» است. متأسفانه چگونگی احراز این موارد بر عهده شورای امنیت نهاده شده و همین موضوع موجب بروز اختلاف نظر بین دول عضو دایم شورای امنیت و دولتهای دیگر شده است. از جمله تلاش‌هایی که از سوی دولتهای چکسلواکی، بولیوی، ایران و مصر در این راستا انجام گرفت، لکن نتیجه ای در بر نداشت. منشور سازمان ملل با ایجاد حق وتو و اعطای آن به دول قدرتمند، زمینه تصویب هر قطعنامه علیه این کشورها را از بین برد و با این اقدام عملاً سیستم امنیتی سازمان ملل را فلج ساخت. از این مقدمه هر چند کذائی که بگذریم، با پیشرفت بشر از مدت‌ها پیش، "جنگ" دیگر ابزار انحصاری برای دستیابی به منافع ملی محسوب نمی‌شود. بلکه مسائلی از قبیل محیط زیست، نقض حقوق بشر و مانند آن می‌توانند موجبات اخلال در صلح و امنیت بین‌المللی را نیز فراهم آورند. در حال حاضر، صنایع اطلاع رسانی جایگزین صنایع تسلیحاتی و ابزاری برای برتری طلبی شده است. کارکرد رسانه‌ها اگر چه مستقیماً و به طور آشکار موجب اخلال در صلح جهانی و رودررویی کشورها نمی‌شود، اما زمینه بروز چنین واقعه‌ای را فراهم می‌آورد.

تهدید علیه صلح و امنیت در کنار نقض صلح و عمل تجاوز، از مصادیق جرایم بین‌المللی است. منشور از این جرم تعریفی ارائه نکرده است. اما باید توجه داشت که اشکال تهدید صلح در پرتو تحولات جامعه بین‌المللی تغییر می‌یابد و هر زمان شکل نوینی به خود می‌گیرد. این انعطاف مولد اقتداری است که منشور به شورای امنیت بخشیده است و شورای امنیت ضمن استفاده از این اقتدار، می‌تواند تلاش یک کشور را جهت دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، تهدیدی بر صلح قلمداد کند و به استناد فصل هفت منشور، با توسل به نیروی نظامی درصدد انهدام تأسیسات نظامی چنین کشوری برآید. به همین

ترتیب، این وضعیت می‌تواند در خصوص تلاش کشوری در جهت دستیابی به فن‌آوری نوین ارتباطات نیز تحقق یابد و تاسیسات اطلاع‌رسانی چنین کشوری را هدف قرار دهد. چنانکه در رویه‌های پیشین خود ثابت کرده که استعداد تطبیق موارد نوینی را با جرم‌تهدید صلح‌دارا بوده است. نظیر سیاست تبعیض نژادی آفریقای جنوبی در دهه ۷۰ که به دفعات از سوی این شورا به عنوان معضلی که می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را دچار مخاطره کند، اعلام شد. در این بحث، می‌توان تهدید بر صلح را از طریق مقایسه انبار سلاح‌های کشتار جمعی یک کشور خاص با تهدید بر صلح از طریق ابزارهای اطلاع‌رسانی تبیین کرد. زیرا انباشت اسلحه بدون بکارگیری آن و دستیابی صرف به فن‌آوری نوین ارتباطات، هیچ یک نمی‌توانند مصداق عمل تجاوز یا عمل ناقض صلح به شمار آیند و در عین حال هر دو می‌توانند بقای صلح را تهدید و آن را با خطر مواجه کنند؛ زیرا هر چند علی‌الاصول هیچ یک عمل خلاف بین‌الملل محسوب نمی‌شوند، لیکن در وضعیت مشخص هر یک می‌توانند صلح را تهدید کنند.

حال وقتی کشوری مجهز به ابزار نوین اطلاع‌رسانی باشد و ضمن بکارگیری آن، امنیت ملی کشورهای دیگر را با تهدید مواجه کند، به گونه‌ای که وضعیتی تحمل‌ناپذیر برای آنان فراهم آورد، در واقع فروپاشی صلح را هدف قرار داده و این امر جز تهدید صلح، مفهوم دیگری نخواهد داشت. در این حالت شورای امنیت می‌تواند وضعیت ایجاد شده را انفجارآمیز یعنی؛ بحران در روابط بین‌الملل به گونه‌ای که احتمال بروز جنگ از آن برداشت شود، ارزیابی کرده و تهدید بر صلح، موضوع ماده ۳۹ منشور را محقق به شمار آورد. (همان)

با توجه به مراتب مذکور، خالی از لطف نیست به واژه‌های مندرج در منشور تحت عنوان صلح و امنیت بین‌المللی که همواره به عنوان عبارتی مرکب استفاده می‌شود، به صورت مقایسه‌ای اشاره‌ای گذرا داشته باشیم، حال آنکه هر یک از این واژه‌ها معانی ویژه خود را دارا هستند. صلح و امنیت بین‌المللی که سازمان ملل جهت محافظت از آن بنا و شورای امنیت عهده دار آن شده، مشتمل بر دو وضعیت «صلح» و «امنیت» است. صلح از طریق توسل به زور مختل می‌شود و امنیت از طریق ایجاد بحران و نظر به اینکه کارکرد فن‌آوری پخش مستقیم همانند دیگر رسانه‌های نوین فن‌آوری می‌تواند در روابط بین‌المللی ایجاد بحران کند و امنیت بین‌المللی را هدف قرار دهد. در حال حاضر این فن‌آوری از جمله کارآمدترین ابزار جهت اختلال در امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود. گسترش این فن‌آوری موجبات ورود توده‌های متوسط شهرنشین به دنیای سیاست را فراهم آورده است. این گروه‌های اجتماعی می‌توانند از طریق تبلیغات، جهت‌گیری‌هایی کنند که نافی امنیت ملی

دولت متبوع آنها باشد و آن دولت ممکن است در صدد اقدامات تلافی‌جویانه برآید و به این ترتیب امنیت بین‌المللی مختل شود. لذا در این مقطع اگر کشوری ابزار اطلاع‌رسانی خود را به گونه‌ای بکار گیرد که بحرانی جدی در روابط خود با دیگر کشورها فراهم آورد و امنیت بین‌المللی را دچار اختلال کند، شورای امنیت می‌تواند به منظور مقابله با تهدیدی که بقای صلح را مخاطره‌آمیز کرده، اختیارات خود ناشی از فصل هفتم منشور را بکار گرفته و با چنین کشوری مقابله کند.

در هر حال باید توجه داشت که شورای امنیت که در تشخیص سیاسی و حقوقی بودن پرونده‌ها اختیار تام دارد، چون منافع دولتهای قدرتمند را در نظر می‌گیرد، ممکن است حتی با وجود بحران ناشی از کارکرد نظام اطلاع‌رسانی در مواجهه با آن طوری عمل کند که مجبور به استفاده از مواد ۴۱ و ۴۲ منشور شامل؛ قطع روابط اقتصادی و نظامی و توسل به زور به تبع شمول ماده ۳۹ بر قضیه نگردد. اگر کمی به گذشته برگردیم، رویکرد دوگانه کشورهای صاحب فن‌آوری در گذشته همانند زمان حاضر به وضوح قابل لمس است. برای مثال، برتری هسته‌ای به عنوان فن‌آوری روز آن زمان شرط لازم برای رهبری ائتلاف‌های نظامی علیه کشورهای سرکش مطرح بوده و در عصر اطلاع‌رسانی نیز، برتری در این عرصه است که چنین نقشی را ایفا می‌کند. کشورهای توسعه یافته اکنون فن‌آوری خود را به شیوه‌های مختلف در جهت اخلال در صلح و امنیت بین‌المللی و با هدف تأمین امنیت ملی یا منافع تجاری خود به کار می‌گیرند. آنها در عین حال که فن‌آوری اطلاع‌رسانی را جهت اخلال در صلح و امنیت بین‌المللی به کار می‌گیرند و هر جا که منافع تجاری شان اقتضا کند، تردیدی در این راستا به خود راه نمی‌دهند. لیکن هر زمان قادرند که دول دیگر را به لحاظ اینکه نظام اطلاع‌رسانی آنها صلح و امنیت بین‌المللی را دچار مخاطره کرده، در معرض ضمانت‌های اجرایی موضوع مواد ۴۱ و ۴۲ منشور قرار دهند.

۵- محدودیت‌های حاکم بر اقدامات متقابل به لحاظ پخش برنامه‌های ماهواره‌ای

۵-۱- تناسب اقدامات متقابل با پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای

در نظام بین‌الملل برای اقدامات متقابل مشروع نیز نوعی محدودیت وضع شده تا مبادا به لحاظ نابرابری دولتها از حیث توان اقتصادی، نظامی، سیاسی و... اقدام متقابل به حربه‌ای مناسب برای سوء استفاده دولتهای قدرتمند و پایمال کردن حقوق دولت‌های ضعیف‌تر مبدل شود. در این نقطه اصل تناسب با اقدامات متقابل پیوند می‌خورد. (زمانی، پیشین، ۱۳۸۱) حق دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل عرفی مبتنی بر این پیش فرض است که زور

بکار رفته در مقام دفاع باید متناسب با حمله ای باشد که منجر به استفاده از آن شده است. اقدامات متقابل می‌تواند تا جایی شدت یابد که دولت خاطی را ناچار سازد تا به رفتار متخلفانه خود پایان دهد. بنابراین دولت متضرر از برنامه‌های ماهواره‌ای می‌تواند علاوه بر پخش پرازیت، انسداد اموال دولت خاطی و تعلیق برخی از تعهدات خود را در قبال وی مورد توجه قرار دهد، تا به هدف مورد نظر خود دست یابد. البته در صورتی که اموالی در کشور دریافت کننده داشته باشد و همچنین از جمله طرفهای قرارداد باشد. در غیر اینصورت، چنانچه ارسال پرازیت با لحاظ جوانب دیگر و منصرف از ضرورت مذاکره و تذکر به دولت ارسال کننده امکان‌پذیر باشد، می‌تواند از رایج‌ترین مقابله به مثل باشد. علاوه بر آن، چنانچه کشور دریافت کننده خود به فن‌آوری مربوطه مجهز باشد، برنامه‌هایی را بر روی شبکه‌های مورد استفاده دولت اولی ارسال نماید که کشور مزبور به جهت تقارن با منافع خود، در رفتار خود تجدیدنظر کند. بدین ترتیب، این رویکرد همان اقدام مقابله مثل خواهد بود که دولت خاطی را وادار به توقف رفتار متخلفانه می‌نماید. البته نکته‌ای که به مراتب مورد توجه قرار نگرفته و یا طرح آن به درستی در مراجع مربوطه صورت نگرفته و علاوه بر آن از سوی دکتربین تبیین نشده، اینست که؛ با فرض اباحه و جواز توسل به اقدامات مقابله به مثل، بسیاری از دولتها حتی اگر هم بخواهند و همینطور حق اتخاذ اقدام متقابل در قبال پخش برنامه‌های خصوصاً غیرمجاز دولتهای فرستنده داشته باشند، امکانات فنی، علمی و مالی مقابله به مثل را ندارند. در اینصورت معلوم نیست که این کشورها باید منتظر ورود خسارت و آسیب به فرهنگ و امنیت و اخلاق جامعه‌شان باشند و پس از آن اقدام به مذاکرات دیپلماتیک بمنظور تغییر موضع و عدم پخش برنامه‌های مغایر با مؤلفه‌های یاد شده از سوی دولتهای فرستنده نمایند و یا موضوع را از طریق شیوه‌های حقوقی حل و فصل اختلافات پیگیری نمایند. متأسفانه این حوزه مغفول مانده است.

۵-۲- تهدید علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور خاطی و صلح و امنیت بین‌المللی

در صورتیکه اقدام مقابله به مثل دولت دریافت کننده برنامه‌های ماهواره‌ای، حتی با رعایت حقوق بین‌الملل از موجبات تهدید علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور خاطی و همچنین تهدید علیه صلح و امنیت جهانی باشد، در اینصورت اقدام مقابله به مثل مشروعیت قانونی ندارد و کشور مزبور ناگزیر از اتخاذ دیگر طرق جبران خسارت خواهد بود. به تعبیر دیگر، حق اتخاذ اقدامات متقابل با یک پارادوکس مواجه است، بدین مضمون

که؛ از یک سو، دولتها حق و به تعبیری اجازه دارند به اقدامات متقابل متوسل شوند. از سوی دیگر، چنانچه اقدام متقابل دولت زیان‌دیده، تهدیدی علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور خاطی و به تبع آن، نظم و امنیت جامعه بین‌المللی محسوب گردد، مجاز به توسل به اقدامات متقابل نخواهد بود.

۶- اقدامات متقابل کشورها در قبال پخش برنامه‌های غیرمجاز ماهواره‌ای

تهدیدهایی که در حوزه امنیت و اخلاقیات یک جامعه از ناحیه پخش برنامه‌های غیرمجاز ماهواره‌ای تحت عنوان امروزی یعنی تهدید نرم (تهدید علیه نظم و امنیت عمومی جامعه، مخالف اخلاق و عفت عمومی و اعتقادات دینی و ...) بارها و بلکه مستمر و مداوم از سوی گردانندگان شبکه‌های ماهواره، موضوعات فوق‌الذکر تحت حمله و هدف قرار گرفته و ناگفته نماند که با توجه به اقتضائات زمانی و مکانی فعالیتها و اقدامات نابهنجار خود را تشدید نیز نموده‌اند، حال سوال این است که آیا دولتهای حتی موافق اصل جریان آزاد اطلاعات منصرف از کلیه موازین، اعلامیه حقوق بشر، قطعنامه‌ها و اصول بین‌المللی دیگر در زمینه پخش مستقیم و بطور کلی آزادی بیان، در صورت مواجهه با حمله‌ای از تهدیدات نرم از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای، بیکار نشسته و هیچگونه اقدامی نخواهند کرد؟ یقیناً پاسخ منفی است. برای مثال، ارسال برنامه‌های ماهواره‌ای ژاپن به کره جنوبی و اعتراض این کشور، بعنوان تهاجم فرهنگی و قبول ضمنی ژاپن به مسئولیت خود. یا که ایران، بارها و بارها موضوع اقدام مقابله به مثل در این زمینه را پس از اعتراض به مراجع ذیصلاح بین‌المللی (آی تی یو، سازمان ملل متحد، کمیته حقوقی و ...) متذکر شده است و حتی در قبال لغو یکجانبه قرارداد فیما بین ایران و یوتل ست، عرب ست و هات برد از سوی مدیران ماهواره‌های مذکور (قطع کانال العالم بر روی ماهواره عرب ست و نایلست، سحر از سوی شرکت فرانسوی، پرس تی وی در انگلستان و آلمان) و قطعاً با راهبری دستهای پشت پرده نیز اعتراض نموده و تمام مساعی خود را در جهت متابعت از موازین و اصول مقرر در روابط بین‌الملل بکار بسته است. لکن متأسفانه بررسی حقایق و اسناد و وضعیت‌های موجود مبین بی‌توجهی مراجع مزبور به این مهم بوده است. علاوه بر این برخی کشورها برای مقابله با عدم دریافت برنامه‌های غیرمجاز ماهواره‌ای بوسیله دریافت کنندگان خصوصی، صرفنظر از هزینه سنگین مالی و ورود ضرر به سلامت و بهداشت جسمی و روانی جامعه و صرفاً به دلیل احتراز از ورود خسارات و آسیب‌های برماتب شدیدتر ناشی از برنامه‌های غیرمجاز بنوعی اقدام مقابله به مثل از نوع داخلی،

یعنی همان ارسال پارازیت نموده‌اند، که از این شیوه موقتاً اقدام برونی نیز حاصل می‌آید، بدین ترتیب که با این روش نه تنها شبکه‌ها و مسببان اصلی آن به اهداف و اغراض خود نائل نخواهند شد، بلکه در صورت ارسال امواج اختلال‌گر قوی، موجب آسیب به ترانسپوندر و حتی در مواردی به ماهواره نیز خواهد شد. بدیهی است این شیوه و یا هر اقدام متقابل دیگر پس از طی مجاری دیپلماتیک و رعایت شرایط اقدامات مذکور و بسته به اوضاع و احوال و ... قابل اعمال است.

بهر حال، کشورها به عنوان یک دولت و حاکمیت دارای حق حفاظت از امنیت و نظم داخلی خود بوده و بر همین اساس با استناد به اصل حاکمیت، اصل رضایت قبلی، اصل منع مداخله و سوء استفاده از حق، استثنائات اصل جریان آزادی اطلاعات و تأیید دکترین و صدور قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های متعدد از سوی ارکان اصلی و فرعی و مؤسسات وابسته به سازمان ملل متحد و همچنین با استناد به حقوق بین‌الملل عام و عرف جاری در این زمینه، می‌تواند جهت ممانعت از ورود و پخش برنامه‌های هدفمند و مخرب علیه اخلاق، نظم و امنیت عمومی کشور، اقدام به ارسال پارازیت و قطع سیگنال شبکه‌های فرستنده چنین برنامه‌هایی کند. لذا تا زمانی که معاهده لازم الاجرائی در این زمینه به تصویب نرسد، دولت‌ها ناگزیر از استناد به موازین و مقررات فوق‌الشاره خواهند بود. بدین ترتیب، اقدام کشورهای متأثر از اینگونه برنامه‌ها بنا بر موازین و مقررات بین‌المللی در قبال شبکه‌های مزبور اقدامی درست و مشروع است. علاوه بر آن، ایجاد اختلال و ارسال سیگنال‌های سرگردان و هدفدار بمنظور عدم دریافت برنامه‌های مضر بر روی امواج ماهواره‌ای پدیده تازه‌ای نبوده و نیست. چراکه اقداماتی از این قبیل در گذشته و از زمان فعالیت‌های اولیه در فضای ماورای جو سابقه داشته که از جمله آنها، ثبت نخستین اختلال در کانال‌های ماهواره‌ای در آوریل سال ۱۹۸۶ می‌باشد. بدیهی است که دولت یا دولت‌ها نیز این حق را برای خود محفوظ داشته و در این راستا، به منظور انسداد دسترسی شهروندان خود به اطلاعات غیر مجاز منتشره بر روی شبکه‌های گوناگون معارض و غیر آن، اقدام به ارسال امواج پارازیت ماهواره‌ای می‌کنند. اکنون این سوال مطرح است که توسل به اقدامات یاد شده در قبال شبکه‌های مختلف فرستنده برنامه‌های غیرمجاز و مخالف و مغایر اخلاق حسنه، نظم و امنیت عمومی و ... به لحاظ فنی و حقوقی تا چه حد امکان‌پذیر است و پیامدهای جانبی آنان چه خواهد بود؟ توسل به اقدام متقابل در حقوق بین‌الملل هنگامی مشروع و قانونی است که به منزله واکنش در قبال نقض تعهد بین‌المللی باشد. در حقیقت، اگر نوع خاصی از اقدام متقابل صرفاً جهت محافظت و دفع ضرر از خود صورت گرفته باشد، ضرورتی برای اقدامات دیگر وجود ندارد. برای مثال، اگر پخش پارازیت در امواج

ماهواره‌ای تنها باعث دریافت نشدن برنامه‌های غیرمجاز در قلمرو دولت ذیربط شود، دولت اخیر می‌تواند حتی بدون مذاکره به چنین اقدام مبادرت ورزد. در غیر اینصورت، چنانچه اختلال در امواج ماهواره‌ای آثار و تبعاتی فراتر از صرف جلوگیری از دریافت برنامه‌ها داشته باشد، درخواست توقف برنامه‌های ارسالی و همچنین دعوت به مذاکره موجه می‌نماید. ضمن اینکه، از نقطه نظر فنی دولت فرستنده بمنظور دفع خسارات احتمالی پارازیت و یا هر نوع اقدام متقابل دیگر از سوی دولت دریافت کننده، ممکن است درخواست دولت اخیر الذکر را اجابت نماید. اقدامات متقابل دیگر همچون؛ تعلیق تعهدات قراردادی، توقیف داراییهای دولت فرستنده و ... نیز از سوی برخی صاحب‌نظران مطرح شده است که توسل به اینچنین اقداماتی، وجود قرارداد فیما بین و همچنین وجود دارائی یا اموال دولت متخلف در سرزمین دولت متأثر از پخش (زیان‌دیده) باشد. در غیر اینصورت، توسل به اقدامات اخیرالذکر محلی از اعراب ندارد.

سخن پایانی اینکه، به استناد موارد فوق الذکر، اصول حاکمیت و اندراج قید محدودیت پخش برنامه‌های ماهواره‌ای به تناسب محتوی آنها، با ملحوظ نظر قراردادن استثنائات اصل جریان آزاد اطلاعات و همچنین رویه جاری، دولتها در قبال پخش برنامه‌های ماهواره‌ای "خارج از چارچوب‌های قانونی" (برنامه‌های مخل امنیت ملی، نظم عمومی جامعه، ایجاد تنفر سیاسی در مردم نسبت به دولتمردان، تکفیر ارزش‌های اعتقادی و ترغیب در بی‌اعتنائی و بی‌هویتی فرهنگی و ...) دارای مسئولیت بین‌المللی بوده و یقیناً می‌توان در مراجع ذیصلاح خواستار رسیدگی و پیگیری قانونی شد.

نتیجه گیری

آنچه مسلم است پخش برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره امروزه به واقعیتی انکارناپذیر تبدیل شده است و با گذشت زمان به حجم آن نیز افزوده خواهد شد. در حقیقت فزونی و گسترش حجم برنامه‌های ارسالی از ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیونی، جامعه بین‌المللی را با چالش مواجه کرده است که هرچند دارای ابعاد مثبتی بوده، لیکن ابعاد منفی آن نیز که منجر به تضعیف فرهنگ‌های ملی و تخریب ارزش‌های اخلاقی جوامع می‌شود، قابل تأمل است. به همین دلیل است که برخی ماهواره‌های پخش مستقیم را از قدرت هسته‌ای خطرناک‌تر توصیف کرده‌اند. کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۴۸ طرح مسئولیت، حق استناد به مسئولیت را برای این دولتها به رسمیت می‌شناسد. در خصوص توسل به اقدامات متقابل نیز، برخی با توجه به نگرانی جامعه بین‌المللی از سوءاستفاده

دولتها، راه حل سازمانی همچون مداخله سازمان ملل متحد را پیشنهاد می‌دهند. منتها در صورت نقض گسترده و شدید قواعد نظم عمومی بین‌المللی، این رویکرد مانع از توسل به اقدام متقابل در جهت منافع عمومی نخواهد بود.

چالش عمده در زمینه پخش امواج ماهواره‌ای از زمانی شروع شد که کشورهای نظیر شوروی و آمریکا در دهه ۶۰ و به همین ترتیب حضور کشورهای صاحب فن‌آوری در این عرصه در دهه‌های بعد اقدام به پرتاب ماهواره در مدار فضا نمودند. متعاقب این رویداد، کشورها از یک سو، بمنظور ربودن گوی سبقت از همدیگر و از سوی دیگر، ارائه طرحهایی برای در امان ماندن و همچنین قانونمند کردن این حوزه به تکاپو افتادند. در این راستا عده‌ای با سرمداری شوروی سابق با توسل به اصل حاکمیت دولتها و نسبیّت مفاهیمی چون اخلاق حسنه و نظم عمومی از لزوم کسب رضایت قبلی، و یا دست کم مشاوره در پخش برنامه‌های ماهواره‌ای سخن رانده و کوشیده‌اند در پرتو نظم نوین جهانی در زمینه اطلاعات با دستیابی به وسایل ارتباطی ضروری (مثل اجاره کانالهای ماهواره‌ای یا مشارکت در طرحهای پرتاب و بهره‌برداری ماهواره‌ای) و پرسنل آموزش دیده، جریان تبادل اطلاعات را متوازن سازند.

عده‌ای نیز با پیشگامی آمریکا با استناد به موازین بین‌المللی به تمشیت جریان آزاد اطلاعات در زمینه پخش ماهواره‌ای اصرار داشتند. اگرچه تلاش دو بلوک شرق و غرب در این زمینه منجر به صدور قطعنامه‌ها و در پی آن اصول حاکم بر پخش و به طور کلی فضا گردید، لکن به سبب عوامل مختلف فنی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی، متأسفانه مانع از انعقاد موافقتنامه‌ای جامع درباره رژیم حقوقی حاکم بر پخش مستقیم شده است. لذا با توجه به خلاء قانونی در این زمینه، به نظر می‌رسد با استناد به حقوق بین‌الملل عام دولتهای متأثر از برنامه‌های ماهواره‌ای بتوانند در صیانت از حقوق خویش به اقدامات متقابل متوسل شوند.

پخش پارازیت در برنامه‌های ماهواره‌ای، توقیف دارایی‌های دولت فرستنده برنامه‌ها و تعلیق تعهدات قراردادی در برابر وی از اقداماتی است که در این عرصه قابل توجه می‌باشند. اقدامات مذکور دارای این ویژگی هستند که یا مستقیماً از دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای در قلمرو خاصی ممانعت می‌کنند و یا دولتهای ارسال‌کننده برنامه‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند که از ادامه اقدامات غیرقانونی خود احتراز جسته و خسارات وارده را جبران نمایند. البته این شیوه جبران خود با پارادوکس مواجه است. بدین مفهوم که از یک سو، دولتها اجازه توسل به اینگونه اقدامات را با رعایت شرایطی دارند. از سوی دیگر، این اقدامات خود تهدیدی برای نظام بین‌المللی محسوب می‌شود. علاوه بر آن که بسیاری از

دولتها از امکانات فنی و حتی مالی بمنظور برخورد با دولت یا دولتهای خاطی برخوردار نیستند. یا اگر از امکانات مزبور بهره‌مند بوده، صرف اقدام خصوصاً پخش پارازیت می‌تواند علاوه بر ایجاد تداخل در فرکانسها به خود ماهواره نیز صدمه وارد کند و در نهایت توسعه منظم تکنولوژی پخش مستقیم ماهواره‌ای همگام با اهداف صلح، امنیت و همکاری بین‌المللی را دور از دسترس سازد.

به هر حال، ماهواره‌های پخش مستقیم، همانند سایر فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی، قابلیت‌های بسیار گسترده‌ای دارند و نمی‌توان مردم را، صرفاً به دلیل هراس از پیامدهای ناخوشایند برخی از محتواها، از بهره‌وری مثبت و سازنده محروم نمود. به نظر می‌رسد با توجه به پذیرش نفس پخش آزاد و مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای از سوی تعدادی از کشورها که مخالف آزادی مطلق اینگونه برنامه‌ها بوده، تمام تلاش خود را در جهت قانونمند کردن محتوای برنامه‌های پخش مستقیم ماهواره‌ای بکار می‌گیرند. از طرف دیگر، توجیه اقدام متقابل در عرصه پخش مستقیم ماهواره‌ای بمنزله دو روی سکه می‌باشد. بدین مضمون که؛ به اقدامات متقابل صرفاً نباید از این دریچه نگریست که با برنامه‌های ارسالی از جانب ماهواره‌های دیگران مقابله می‌کند، بلکه این امکان نیز وجود دارد که فعالیت‌های ماهواره‌های کشورهایی که با اجاره کانالهای ماهواره‌ای در صحنه رقابت وارد گشته است، با اقدامات متقابل به مراتب مؤثرتر کشورهای پیشرفته مواجه گردد. لکن برای دولتهای متأثر از پخش چاره‌ای جز اقدامات پیشگیرانه بر اساس اصول و موازین بین‌المللی وجود ندارد.

کتابنامه

الف - منابع فارسی

- آکهرست، مایکل، (۱۳۷۲)، «کلیات نوین حقوق بین‌الملل»، ترجمه مهراب داراب پور، تهران: انتشارات جهان معاصر، چاپ اول.
- اسماعیلی، محسن، (پاییز ۱۳۸۱)، «جنبه‌های حقوقی ماهواره»، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۶.
- اسماعیلی، محسن، (تابستان ۱۳۸۲)، «امنیت و رسانه از دیدگاه حقوق بین‌الملل و ایران»، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۳۴.
- اسماعیلی، محسن، (۱۳۸۶)، «تبلیغات بازرگانی: آثار، وضعیت حقوقی و بایسته‌های قانون گذاری»، تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها.

- حسن نیا، محمد و سرادقی، مجتبی، (۱۳۸۵)، «زمین زیر سایه ماهواره»، انتشارات فرات.
- حسینی، سید ابراهیم، (۱۳۷۹)، «برنامه‌های ماهواره‌ای در ارتباط با اصل حاکمیت دولت‌ها و اصل آزادی اطلاعات»، مجله معرفت، ش ۳۶.
- راعی‌دهقی، مسعود، (۱۳۹۰)، «اقدام متقابل و حقوق بین‌الملل»، مجله معرفت، سال بیستم، شماره ۱۶۵.
- رستگار مقدم، هادی، (۱۳۷۶)، «درآمدی بر ارتباط و وسایل ارتباطی»، اندیشه حوزه، شماره ۱، سال ۳.
- ریلانی، هارولدسی، (۱۳۸۲)، «کتمان علم (بحثی در امنیت ملی و جریان آزاد اطلاعات)»، ترجمه و تلخیص از سعید بهنام، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- زمانی، سید قاسم، (۱۳۸۱)، «پخش مستقیم ماهواره‌ای در قرن بیست و یکم (کار گروهی)»، مؤسسه انتشارات سروش.
- زمانی، سید قاسم، (۱۳۷۸)، «پخش مستقیم ماهواره‌ای و اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل با تأکید بر ارسال پارازیت»، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۴.
- صبحی، صالح، «تحقیقی در حوزه نهج البلاغه».
- علائی، جبار، (۱۳۸۶)، «حقوق بین‌الملل و پخش مستقیم ماهواره‌ای».
- قاضی زاده، علی اکبر، (۱۳۸۲)، «تجربه‌های دیروز و امروز برای رسانه‌های فردا»، مجله اطلاع‌رسانی و ...، ش ۶۶ و ۶۵.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، (۱۳۷۰)، «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی»، تهران: دانشگاه تهران.
- کاسسه، آنتونیو، (۱۳۷۰)، «حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد»، ترجمه مرتضی کلاتریان، نشر دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران.
- کخدایی، عباسعلی، (۱۳۷۹)، «پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
- گرانمایه پور، علی، (۱۳۸۵)، «شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، فرصت یا تهدید»، مجله اینترنتی فصل نو.
- میرزایی ینگجه، سعید، (۱۳۷۳)، «تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

بی‌نا، (۱۳۷۱)، «سه گفتار درباره تلویزیون جهانی و تداخل فرهنگی»، سروش، شماره ۶۰۹.
بی‌نا، (۱۳۷۳ و ۱۳۸۱)، جزوه «پیمان‌ها و اصول سازمان ملل متحد»، فصل فراجو، چاپ استفاده صلح جویانه از فضای فراجو، وین، ۱۹۹۴، به نقل از مجله مجلس و پژوهش، شماره یازده، و مجله پژوهش و سنجش؛ سال نهم، شماره ۳۰ و ۳۱.

ب- منابع انگلیسی

Crawford, J,(2000), “*ILC commentary to chapter II of Part Three on State Responsibility*”.

Evensen, J,(1965), “Aspects of International Law relating to Modern Radio Communications”, *RCAKI*, Vol. 115.

Man Chan, J,(1994), “National Responses and Accessibility to STAR TV in Asia”, *Journal of Communication*, 44(3)

Partch, K.J,(2000), "Reprisals & Retorsion" in R. Bernhardt, ed., *Encyclopedia of Public International Law*, Instalment 9, (Amsterdam: North Holland), 1986 & *EPIL* 9 1986 & *EPIL* vol IV.

ج- منابع مجازی

<http://www.bashgah.net/modules.php>.

<http://www.aei.org/publication>.

<http://www.asil.org/resource/home.htm>.

www.tebyan-zn.ir/science_technology.html.

<http://www.hamshahrtraining.ir/news-3248.aspx>.

<http://www.magiran.com>.

[http:// www.political.ir/cat-22.aspx](http://www.political.ir/cat-22.aspx).